

فهرست کتاب صحیفه سجادیه

صفحه	عنوان	ردیف
۳	هنگامیکه آن حضرت شروع به نیایش مینمود به حمد ثنای پروردگار متعال می پرداخت و میگفت.	۱
۶	درود بر محمد و آل اطهارش	۲
۷	درود بر حاملان عرش الهی	۳
۸	درود بر تصدیق کنندگان رُسل	۴
۱۰	دعا برای خود و شیعیان	۵
۱۱	دعا هنگام صبح و شام	۶
۱۳	دعا هنگام حوادث مهم	۷
۱۴	دعا در پناه بردن به خدا	۸
۱۵	دعا در اشتیاق به درخواست مغفرت از خدای عزوجل	۹
۱۶	دعا در التجا و پناه بردن به خدا	۱۰
۱۷	دعا در خیر خاتمت	۱۱
۱۷	دعا در اعتراف به گناه و طلب توبه	۱۲
۱۹	دعا در طلب حاجتها	۱۳
۲۱	دعا هرگاه کسی به او ستم میکرد	۱۴
۲۲	دعا هنگام مریضی	۱۵
۲۲	دعا هنگام عفو و گذشت	۱۶
۲۵	دعا علیه شیطان	۱۷

فهرست کتاب صحیفه سجادیه

ردیف	عنوان	صفحه
۱۸	دعا هنگام دفع بلیّات	۲۷
۱۹	دعا در طلب باران	۲۷
۲۰	دعا در مکارم اخلاق	۲۹
۲۱	دعا هرگاه از چیزی محزون میشد	۳۲
۲۲	دعا در هنگام گرفتاری	۳۴
۲۳	دعا در طلب عافیت	۳۶
۲۴	دعا برای پدر و مادرش	۳۷
۲۵	دعا برای فرزندان	۳۹
۲۶	دعا درباره همسایگان	۴۱
۲۷	دعا برای سپاهیان سرحدات اسلام	۴۲
۲۸	دعا در مقام تضرّع و زاری بدرگاه خدای عزوجل	۴۵
۲۹	دعا هرگاه رزق بر او تنگ میشد	۴۶
۳۰	دعا در یاری جستن از خدا برای ادای دین	۴۷
۳۱	دعا در توبه	۴۸
۳۲	دعا بعد از فراغت از نماز شب	۴۹
۳۳	دعا در مقام استخاره (طلب خیر از خدا)	۵۲
۳۴	دعا هنگام گرفتاری یا دیدن کسیکه گرفتار فضیحت گناه شده است	۵۳

فهرست کتاب صحیفه سجادیه

ردیف	عنوان	صفحه
۳۵	دعا در خشنودی به قضا و قدر الهی	۵۴
۳۶	دعا هنگام نظر به ابر و برق و شنیدن غرّش رعد	۵۶
۳۷	دعا در اعتراف به تقصیر در ادای شکر الهی	۵۷
۳۸	دعا در عذرخواهی از تضييع حقوق	۵۹
۳۹	دعا در طلب عفو و رحمت الهی	۶۰
۴۰	دعا هنگام شنیدن مرگ کسی و یا اگر خود متذکّر میشود	۶۱
۴۱	دعا در طلب پرده پوشی	۶۲
۴۲	دعا در هنگام ختم قرآن	۶۳
۴۳	دعا هنگام رؤیت هلال	۶۵
۴۴	دعا هنگام فرا رسیدن ماه مبارک رمضان	۶۷
۴۵	دعا هنگام وداع ماه مبارک رمضان	۶۹
۴۶	دعا پس از نماز عید فطر و اضحی و جمعه	۷۲
۴۷	دعا در روز عرفه	۷۳
۴۸	دعا در روز عید اضحی	۷۷
۴۹	دعا در رفع کید و مکر دشمنان	۷۹
۵۰	دعا در مقام خوف و خشیت	۸۱
۵۱	دعا در مقام تضرّع به درگاه الهی	۸۲
۵۲	دعا در مقام الحاح و اصرار در طلب حاجت از درگاه الهی	۸۳

فهرست کتاب صحیفه سجادیه

ردیف	عنوان	صفحه
۵۳	دعا در مقام تذلل و خضوع	۸۴
۵۴	دعا در برطرف شدن هم و غم	۸۵
۵۵	مناجات یکم (مناجات توبه کنندگان)	۸۷
۵۶	مناجات دوم (مناجات شکوه داران)	۸۸
۵۷	مناجات سوم (مناجات هراسناکان)	۸۹
۵۸	مناجات چهارم (مناجات خواهش کنندگان)	۹۰
۵۹	مناجات پنجم (مناجات راغبان و مشتاقان حق)	۹۱
۶۰	مناجات ششم (مناجات شکرگزاران)	۹۲
۶۱	مناجات هفتم (مناجات اهل طاعت)	۹۳
۶۲	مناجات هشتم (مناجات اهل ارادت و اشتیاق)	۹۴
۶۳	مناجات نهم (مناجات محبان خداوند)	۹۵
۶۴	مناجات دهم (مناجات اهل توّسل به خدا)	۹۶
۶۵	مناجات یازدهم (مناجات نیازمندان)	۹۷
۶۶	مناجات دوازدهم (مناجات عارفان)	۹۸
۶۷	مناجات سیزدهم (مناجات اهل ذکر)	۹۹
۶۸	مناجات چهاردهم (مناجات معتصمین)	۱۰۰
۶۹	مناجات پانزدهم (مناجات اهل رُهد)	۱۰۱
۷۰	از قول شاعر	۱۰۲

کتاب صحیفه کامله سجادیه که

مخصوص حضرت امام زین

العابدین علیه السلام است. این

حقیر (مظفر علی مظفری) آنرا

در ۱۵۰۰ بیت به نظم در

آورده‌ام و از خوانندگان عزیز

التماس دعا دارم.

مقدمه کتاب:

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش مرخدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهرهٔ روز روشن تابان است و انوار حکمت او در دل شب تاری درخشان و آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید و برای ارشاد و هدایت ایشان رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و ضلالت نفس برهانیدند و صحن گیتی را به نور علم و معرفت روشن گردانیدند و آخر ایشان سیدالمرسلین و خاتم النبیین ابوالقاسم حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف را صلی الله علیه و علی عترته الطاهرین برای عز نبوت و خاتمت رسالت برگزید و به معجزات ظاهر و دلایل واضح مخصوص گردانید. درود و سلام و تحیات و صلوات ایزدی بر ذات معظم و روح مقدس مصطفی (ص) و اهل بیت و اصحاب اشیاع او باد. ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلمو تسلیماً

و چون این حقیر از ارادتمندان خاندان نبوت (ص) می‌باشم (کتاب صحیفهٔ سجادیه) را که امام چهارم حضرت امام زین‌العابدین (ع) ۳۸-۹۵ ق با دست مبارک خویش نوشته‌اند و اینجانب نیز آن کتاب را به صورت نظم در آورده‌ام که روز عید سعید قربان مورخه ۱۳۸۳/۱۱/۲ به پایان رسیده و آنچه در توان داشتم در حفظ معانی آن سعی وافر و دقت کافی نمودم.

و لله الحمد اولاً و اخراً و الصلّو

دعای ۱

بسمه تعالی الدعای التحمید عزوجل	دعای ۱ در ستایش خدای متعال
---------------------------------	----------------------------

الدعاء و كان من دعائه عليه السلام اذا ابتدأ بالدعاء بدأ بالتحميد لله عز وجل و الثناء عليه فقال:

دعای اول: هنگامیکه آن حضرت شروع به نیایش می نمود: به حمد ثنای پروردگار متعال می پرداخت و می گفت:

۱	خدا را حمد بنمایم ستایش	رسد بر قلب من از نور تابش
	نیایش همچو مخصوص خدا راست	زمبداً آفرینش را که داراست
	نباشد ذات آن چون ابتدایی	بی آنکه باشد آنرا انتهایی
	ز دیدارش بود هر چشم قاصر	همه منصور لیکن اوست ناصر
۵	چو آن ابداع کرده آفرینش	تمام خلق معبودند سویش
	به هر جاندار روزی کرده معلوم	مقرر داشته از آنچه مقسوم
	بدان هیچکس که یارائی ندارد	ببفزاید و یا چیزی بکاهد
	اجل باشد به هر شخصی معین	شب روز هم به وی باشد مدون
	فرا چون میرسد وقتی بهنگام	که عمر آخر شود تا پر شود جام
۱۰	خدا ناگه ورا دعوت نماید	به سوی منزلی آن رهسپارد
	در آن منزل بود پاداش کامل	شقاوت گر کند باشد چه مشکل
	خدا آنجا نماید عدل و احسان	گنهاران بود چون خانه ویران

دعای ۱

<p>نه بر چون چرا کس را بکار است نمی‌گویند جز حمد و ثنا را ستایش واجب است بهر عطاها بما آن واضح است نی پشت پرده رسد از مرز انسانی به حیوان که ما تا گوی سبقت را ربائیم که حال ما شود بر وجه احسن بدست خویش باشد در قیامت بدان برقی زند بر چشم ناظر همه بر اضطراب آید به شدت متحیر همه با حال گریان بدرگاه تو می‌باشد امیدم نما روشن زنورت منزلت را عطا فرما به لطف خوش عزت که تا بر درگاه وی نائل آئیم بما واجب بود مر بندگی را که بر ما رزق پاکیزه عطا کرد</p>	<p>که نعمتها به خوبان آشکار است برای بندگان واجب خدا را ۱۵ پیایی نعمتش روشن به ماها چو شکرش را به ما الهام کرده اگر نموده باشد شکر انسان رضا و عفو آنرا نائل آئیم اگر تاریک بر ما گشت روشن ۲۰ کسی خشنود باشد یا که محنت مقربان درگاهش چو حاضر در آن روزی بدان از ترس وحشت نمی‌بیند که جائی را دو چشمان خداوند تو بنما رو سفیدم ۲۵ الهی خود نما شادان دلم را خداوند کریم با فضیلت چطور از عهده شکرش برآئیم عطا فرموده نعمت زندگی را تمام اعضای ما را خودکفا کرد</p>
--	--

دعای ۱

<p>چو باب رحمت و بنده نواز است به سوی توبه کرده رهنمائی چو لطف حضرتش باشد فراوان اگر چه بنده اش باشد گنهار که آمرزش برایشان بود مشکل برای مسلمین آن کرده راحت کسی را گر عقب یا اینکه پیش است سر طاعت بدرگاهش ستایند ترا راحت بود آنوقت هر کار مشو غافل عزیزم تو زطاعت بدرگاهش بگیری تا پناهی بدان در زمره خوبان درآئیم بخون غلطیده گر باشی چه باکی بروز حشر می باشم (مظفر)</p>	<p>۳۰ خداوند کریم و بی نیاز است نیندازد ز فضل خود جدائی همین بس نعمتش را کرده احسان که فضلش بر همه باشد چه بسیار بر اُمتهای سابق بی تحمل ۳۵ که ماها را نباشد همچو طاقت نباشد عذر کس مسئول خویش است فرشته ها اطاعت می نمایند ستایش حضرتش را تو بجای آر نما تا روز رستاخیز عبادت ۴۰ بسوی حضرتش بگشا تو راهی بفرمانش اطاعت گر نمائیم شهیدان گر ز دشمن شد هلاکی خداوندا اگر باشی تو یاور</p>
---	---

دعای ۲

الدعا، ۲: الصلا علی محمد و آله

دعای دوم: درود بر محمد و آل اطهارش

<p>محمد را و همچون خاندانش به خاندان ما بگذاشت منّت به امت‌های سابق گشته سرمد برکت بلکه بر این سرزمین است به اُمّت‌ها سرآمد کرده ما را کشیده در ره دینش چه زحمت مسلمانها همیشه دور کوش چو بر دین خدا بنمود دعوت ز مکه بر مدینه کرده هجرت گرفته بر علیه دشمنانش ز ترسش دشمنان در خانه خفته تمام مشرکان هم گشته نومید درجه در بهشتت ده ترقی نماید اهل ایمان را شفاعت همانا چون خودت فضل عظیمی (مظفر) کن مرا در روز موعود</p>	<p>خدا را می‌نمایم من ستایش محمد (ص) موقعی بنمود بعثت خدا داده رسالت بر محمد محمد در همه کاری امین است خدا بر هر علمی هست دارا محمد را بدان امام رحمت ۵۰ همه بیگانه‌ها آید بسویش که وی بنمود تبلیغ رسالت به خود هموار بنمودست غربت که هر برنامه‌ای با دوستانش ز یاران آنچنان نیرو گرفته ۵۵ ظهور از کلمه اعلای توحید خداوندا بیاسش ده تو حقی مقامی ده به آن روز قیامت گنه مر بندگان را تو کریمی ز لطف کل عالم می‌برد سود</p>
--	---

دعای ۳

الدعاء ۳: فی الصلو علی العرش

دعای سوم: درود بر حاملان عرش الهی

<p>که از تسبیح تو غفلت نورزند که تو فرمان دهی یا هر چه خواهی کمر بسته همی در پیشگاهت نباشد خسته از تقدیس آنان که هنگامی رسد آن بر دمَد (صور) عظیم الشان هم در امر تام است امین وحی جبرئیل امین است خضوع حضرتت باشد کمالی تواضع بر کمال و کوی رحمت گنه کاران بود آنجا چه برزخ شود بر دوزخی ویران خانه فرشته آفریدی با امانت غذایشان سُبُوح قدّوس گفتن گروهی هم به کوه و سنگ خارا موگّل ابرها و هم به باران</p>	<p>۶۰ خدا آنانکه در عرش تو هستند اطاعت می کند عرش الهی نمی باشد کسی خسته ز راهت نباشد کو تهی در امر فرمان که اسرافیل می باشد چو مأمور ۶۵ چو میکائیل هم عالی مقام است مقرب آسمانها هم زمین است حریم قدس تو دارد جلالی فرشتگان ز فرط شوق رغبت چو آنان بنگرند بر سوی دوزخ ۷۰ که آتش می کشد آنجا زبانه مقرب بین تو پیغمبرانست نیازی نیست آنها را به خوردن که مأمور است گروهی ابرها را درود من بود بر کل آنان</p>
---	--

دعای ۳

<p>درود ما که بر آنها دگر بار که سنگینی کوه و شاخ و برگ است نکیرین گورها باشد نگهبان ز نزدیک هم طواف و یا که از دور گروهی (پرده دارانند) رضوان برای مؤمنان باشد نویدی صواب و هم گُنه باشد مشخص مضاعف کن خدایا تو کرامت سلام ما رسان بر کل آنها (مظفرم نما از باب رحمت)</p>	<p>۷۵ گروهی از فرشته هست سیار گروهی برف و مأمور تگرگ است درودم بر ملک الموت و یاران که مشغولند طوف بیت معمور درود بر مالک (دوزخ نگهبان) ۸۰ که کارشان بود دائم حمیدی گروهی ناظر اعمال هر شخص فرشتگان بود مخصوص رحمت ترحم کن خدا بر کل جانها خداوندا بکن بر من عنایت</p>
--	--

دعای ۴

الدعا، ۴: فی الصلا علی مصدقی الرسل

دعای چهارم: درود بر تصدیق کنندگان رسل

<p>فرستی، پیرو پیغمبرانست ولیکن پیروانش نیست خائف به هر عصر و زمانی یا به دوران</p>	<p>۸۵ خداوندا درود و همچو رحمت جلاگیری کند اهل مخالف پذیرفته که می باشد به ایمان</p>
---	--

دعای ۴

پیامبر را رسالت برگزیدی
ز آدم تا به خاتم پیشوایان
۹۰ همه پیغمبرانت هست سرمد
مصاحب پیروانش بود نیکو
دلایل بود بر آنها که روشن
قبول دعوتش را بود سبقت
که پوشیدند چشمان را ز فرزند
۹۵ ز جان و دل ورا می داشتند دوست
که چون بر (عُرو

۱۰۰

دعای ۴

عطا فرما برایم باغ رضوان مطیعان را بده سهمی ز جنت که از تهمت زدن محفوظشان دار گوارا کن خدا در دادن جان به راه راست بنما رهنمائی کمک بنما خودت ای حی دادار	مصون فرما مرا از مکر شیطان کمک بنما خدا از باب رحمت جلوگیری نما از غفلت کار تو یارب مرگ را آسان بگردان نما از آتش دوزخ رهائی «مظفر» کن مرا در موقع کار	۱۰۵ ۱۱۰
--	---	--------------------------------

دعای ۵

ادعا، ۵: دعاوه لنفسه و خاصته

دعای پنجم: دعای آن حضرت برای خود و شیعیان

محمد بر همه باشد که سرمد که سلطنت برایش نیست پایان ز بیراهه مرا بنما تو ایمن جمالت بی نظیر است و کمالت که کوچک هست می باشی تو داور شریکی نیست میباشی تو یکتا که قلب شیعه‌ها باشد بر او شاد مرا فضل تو میباشد کفایت	درودت ای خدا بر آل احمد خداوندیکه دائم هست به دوران الهی چون تو هستی خالق من که نتوان دید یارب آن جمالت شکوهی هر چه باشد در برابر خداوندا توئی بی مثل همتا درودت بر محمد آل او باد هراسم گر بود از خلق وحشت	۱۱۵
---	--	-----

دعای ۵

که بر سود و زیان مر نیست تدبیر
همیشه دست تو باشد که تقدیر
۱۲۰ همیشه در دلم اینست آورد
درودم بر محمد آل او باد
خداوندا نگهدارم تو باشی
همیشه یار و غمخوارم تو باشی
پناه ما تو میباشی و قرآن
نگهدارم نما از دام شیطان
چنانچه گر بود ما را خطائی
ز فضل و از کرم بنما عطائی
زیان نبود به کس سرور تو باشی
چه غم از دیگران رهبر تو باشی
۱۲۵ کمک فرما بما با عزت خویش
هدایت کن به ما از مانع پیش
دروود تو بود بر آل احمد
رسول حق میباشد محمد (ص)
تو ما را دعوتی بنما به سویت
که ره گم کردگانیم ما، به کویت
خدا ما بنده‌ایم و تو کریمی
که هم بخشنده رحمن الرحیمی
ز الطافت (مظفر) را نما شاد
صلوا

دعای ۶

<p>که برخوردار میباید ز شهوت که روز روشن هم مردم بکوشش که هم تأمین باشد آخروی را صلاح کار این باشد مقرر نباید راه طاعت را که عُصیان سزاشان می شود آنجا که محنت بما بنموده ای روشن چه ارزان شبی تا صبح را لاحول گفته زبانها را همانگونه بگفتن به ما توفیق ده باشیم یارش به ما لطفی عنایت کن فراوان همه باشد که از فضل تو خیره به روز حشر شرمنده مگردان موفق کن تو ماها را به نعمت نکن ما را ز لطف خویش محروم مرا مگذار هم بر خود تو آنی که خود بگذاشتی بر ما چه منت</p>	<p>شب تار هست مردم را چه لذت به جانداران همی شب هست پوشش ۱۳۵ به جستجوی روزی دُنیوی را شب روز است بر گردش مکرر در اوقات اطاعت هم به فرمان که بدکاران بود روز قیامت سپاس ما بتو در صبحگاهان ۱۴۰ حکومت مرا در بر گرفته تو نیرو میدهی ما را برفتن درودت بر محمد همچو آتش الهی خودنگهدار از گناهان ز پاداشت نما ما را نخیره ۱۴۵ تو یارب کارها را نیک گردان خدا از خیر و شرت کن حمایت مدد بنما ز درگاهت به مظلوم نما ما را موفق هر زمانی نمودی ای خدا ما را تو خلقت</p>
--	---

دعای ۶

۱۵۰	فرشتگان بود در اوج مسکن که یکتا بودند باشد گواهی نباشد هیچکس همچون تو عادل شهادت میدهم من بر محمد (ص) عظیم الشان میباشد پیمبر	زمین باشد به مردم همچو برمن مطیع امر تو یارب تو خواهی به غیر از راه تو باشد که باطل میان بندها باشد که سرمد (مظفر) کن مرا در روز محشر
-----	---	---

دعای ۷

دعاوه علیه السلام فی المهمات و عند الكرب

(دعای هفتم): دعای آن حضرت هنگام حوادث مهم

۱۵۵	خداوندا گره از تو گشایش بدستت کار میباشد چه آسان اگر دارد کسی دریای دشوار شکسته می شود هر موج در هم به نیرویت قلم بر لوح تقدیر	به امر تو شود سختی به سازش غم اندوه تبدیل است به شادان بدست تو شود هر موج هموار بشادی میشود تبدیل از غم براه افتد قضا و همچو تدبیر
۱۶۰	اراده گر کنی یا اینکه فرمان گرفتاران فقط نام تو خوانند گرفتاری خدا تا بم ربوده که پشتم خم شده از رنج و محنت کز آنچه تو دهی کس بر نگردان	همان دستور تو باشد بدوران به سوی درگه تو رهسپارند که هر دو چشم را از نور سوده مرا چاره توئی با دست قدرت چو بر بندی کسی را باز نتوان

دعای ۷

<p>۱۶۵ اگر دشوار بنمودی به هر کس اگر کس را ببندی نئی توان باز درودت بر محمد آل او باد گسل زنجیر غم از ما به قدرت خداوندا همیشه باش یارم</p>	<p>که نئی آسان شود بر دست ناکس به فکر عاقلان آنجا بود راز که قلب ما همه دائم بر او شاد ز درگاهت که ما رانی شکایت به درگاه تو من امیدوارم</p>
<p>۱۷۰ تو زایل کن بما هر مشکلی را عبادت بر تو می باشد وظائف دلم تنگ است سینه چون پُر از هم گنهارم توئی مولا و یاور</p>	<p>زدانه پر نما هر سُنْبلی را کمک بنما نکن ما را تو خائف گرفتارم دلم پر گشته از غم اگر چه نیست شایسته (مظفر)</p>

دعای ۸

الدعا، ۸: فی الاستعاذه من المکاره

دعای هشتم: دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا

<p>۱۷۵ الهی رهنمایم کن به طاعت زتَعْصَّب بیهوده و هنجار مرا بیدار کن از خواب غفلت همی کوچک شمردن بر گناهان به بدخُلُقِی به شخص بی بضاعت هدایت کن خدا دائم به آن کار</p>	<p>تسلَّط بر غضب را کن هدایت هدایت کن مرا بر راه ابرار ز هوا و هَوَس و همچو شهوت مرا یاری نما با زبردستان نکوکاری بکن بر ما تو قسمت ضعیفانرا توئی چون یار و غمخوار</p>
---	--

دعای ۸

پناه ما توئی از دام دشمن شمتات از عدو با هر چه مقدار تهدستان محروم مصیبت تمام مؤمنین از لطف تو شاد امید ما توئی ای حی دادار	تسلط ز اهرمن بیراهه بردن پناهنده به تو ز اسراف هر کار پناه ما توئی کز آن حسرت درودت بر محمد آل او باد (مظفری) چنین گفتست اشعار	۱۸۰
---	--	-----

دعای ۹

دعاوه علیه السلام فی الأشتیاق

دعای نهم: دعای آن حضرت در اشتیاق به درخواست مغفرت از خدای عزوجل

به انسان داده‌ای هر گونه نعمت به لطف خویش ما را در امان دار ز خشم تو بود یا رب مرا بیم که توفیقم دهی باشد کفایت که بخشنده توئی بر کل موجود کمک بنما به نیکی حاصل آید به ما روزی دهی تا روز موعود ز راه معصیت تو باز داریم زبان‌هامان کمک باشی به گفتار مرا چون مرحمی در ریش باشد	تو یارب خالق بر کل خلقت اگر نقصی بود از ما به ناچار کمک بنما به ما در کار تصمیم الهی خود بکن بر ما عنایت ز الطاف خودت بنما تو خشنود اگر نفسم به باطل می‌گراید مرا از خاک بنمودی تو موجود به هر کاری که ما قدرت نداریم الهی چشم‌هامان در امان دار ثواب آخرت در پیش باشد	۱۸۵ ۱۹۰
---	---	--------------------------------

دعای ۹

۱۹۵	اگر چه معصیت دارد عقابی چنانچه شامل حالم به کیفر	به لطف خویش ده ما را ثوابی عنایت گر کنی باشم (مظفر)
-----	---	--

دعای ۱۰

دعاوه عليه السلام فى اللجأ الى الله تعالى

دعای دهم: دعای آن حضرت در التجا و پناه بردن به خدا

۲۰۰	خداوندا اگر بخشی گناهان مجازات ارکنی باشد عدالت اگر نادیده بگرفتی ز کیفر بکیفر ای خدا طاقت نداریم	که از فضل تو میباید بر امان و گر چه بگذری بر ماست منت که مر بنده ضعیف و هم تو داور برای بخششت امیدواریم
۲۰۵	خدایا تو کریم و بی نیازی به درگه آمدیم و چون گدایان تهدیستی مرا بنموده شقوت کجا رانده شویم از درب خانه که ما بیچاره ایم و تو منزه ترحم بر کسی باشد به دنیا خدایا حفظ کن از دام شیطان درودت بر محمد آل او باد	برایت نی بود پوشیده رازی به آغزای خودت بنما تو جبران به بخشی گر مرا باشد سعادت پناه ما کسی باشد که یا نه؟ کمک از تو که میباشیم (مرّفه) به بخشی گر، شود خوشحال عقبی ز راه معصیت ما را بگردان (ظفر) یابم زلطفت می شوم شاد

دعای ۱۱

دعاوة علیه السلام بخواتم الخیر

(دعای یازدهم): دعای آن حضرت در خیر خاتمت

ذکر تو شد فخر ما هم دین و هم دنیای ما	ای خدا زکرت همیشه هست در دلهای ما	
باز دار از ظلم یارب دست هم اعضای ما	۲۱۰ فوز میباشد سعادت و شکر میباشد سپاس	
دوستی آل محمد را بود دلهای ما	یاد خود را ای خدا هیچگونه از دلها مبر	
گر نباشد لطف تو آنوقت گوئیم وای ما	از تو فرمان باشد و ما را اطاعت ای خدا	
حفظ کن از معصیت نبود جهنم جای ما	طاعتت باشد برایم واجب ای پروردگار	
می شود اعمال بد بر مغز سوهان سای ما	بر بطالت کارهای خویش را گر بسپریم	
کارهای نیک را دان جنت المأوی ما	۲۱۵ با عبادت گر به پایان چون رسد عمر عزیز	
ای خدا بنما کمک بر بحر دل پیمای ما	ما مریدان روی سوی قبله گر آریم روی	
داخل جنت همی دان باز شد گلهای ما	توبه گر باشد پذیرفته زما در طول عمر	
گر شود روز قیامت میشود شیدای ما	کارهای زشت ما پوشیده در وقت ظهور	
هم خدا باشد کریم و هم علی مولای ما	ای مظفر تو نخور غصه که از عهد ازل	

دعای ۱۲

دعاوه علیه السلام فی الاعتراف

دعای دوازدهم: دعای آن حضرت در اعتراف به گناه و طلب توبه

۲۲۰ سه چیزی می کند منعم به درگاه	که کوتاهی نمودم من در آن راه
----------------------------------	------------------------------

دعای ۱۲

<p>که من بشتافتم بر آن کماکان که در شکرش نمودم من تعلل نگشتم من مطیع تو به فرمان که بنمایم به درگاهت تشکر خداوندا کمک بنما به کارم به لطف خویش ما را در امان دار که درب توبه را بر من گشودی که نادیده مقامش را ز حرمت که عمرم منقضی گشته در این کار زمان عمر بر پایان رسیده بساط عجز نی قدرت به چیزی ترا میخوانم و آورده‌ام روی که چهره پر زاشک و آه و گریان که لطف و رحمتت هر دم فزونتر غضب کمتر بود راجع به آن کار در رحمت بر آنها بر گشاده دعایش را نماید آن اجابت به بنده داده چون فکر و تعقل</p>	<p>یکی مَنَعَم نمودی از گناهان دوم آن نعمتی کردی تفضّل سوم آنکه بما کردی تو احسان همه احوال من باشد تفکر ۲۲۵ ز درگاه تو من امیدوارم اگر باشد مرا زشتی به کردار ز درگاهت رسد بر من چو سودی به مولای خودم کردم اهانت گناهانم شده ای وای بسیار ۲۳۰ زمان کوششتم چون سر رسیده یقینم شد مرا نبود گریزی نمودم توبه بر درگه در این کوی کمر خَم گشته زانوها چو لرزان خداوندا تو هستی مهربانتر ۲۳۵ کسیکه عفو او باشد که بسیار تبهکاران به توبه سوق داده چنانچه بنده را کم هست طاعت کسیکه لطف آن باشد تفضّل</p>
--	---

دعای ۱۲

همه را عفو کردی از گناهان همیشه ذات تو باشد مقدس ستوده گر بود ما را در این کار به استغفار لب بگشوده باشیم اگر چه مر نمیباشد تصوّر خداوندا بده بر ما تو نصرت همیشه قلب من باشد کزو شاد که مستوجب نباشم من به عصیان ز هیچکس غیر تو حاجت نخواهم تو مارا بگذری باشد چه آسان	تو بخشیدی گنه بر شرمساران مرا طاعت بود بر ذات اقدس که بخشیدن به تو نبود که دشوار زاستکبار و طُغیان دور باشیم که من در پیشگاهت از تکبّر اگر عاجز شوم من از تو قوّت درودت بر محمد آل او باد معافم ساز یا رب از گناهان همانا عفو و بخشش از تو خواهم (مظفر) را تو بگذر از گناهان	۲۴۰ ۲۴۵
--	---	------------------------------------

دعای ۱۳

دعاوه علیه السلام فی طلب الحوائج

(دعای سیزدهم): دعای آن حضرت در طلب حاجتها

همچو نادیده بگیرد کاستها بنده اش را نی کند آن شرمسار از همه عالم تو هستی بی نیاز همچنین است بر همه جنبندگان بر همه بخشش تو بنمائی وجود	ای خدائیکه برآرد خواستها رایگان آنرا گذارد اختیار واقف هستی ای خداوندا به راز نعمتت باشد برای بندگان (بی نیازی را) ز تو بتوان ستود	۲۵۰
--	--	-----

دعای ۱۳

<p>یا کسی را حوصله آید بسر آن کسی بی‌راهه می‌باشد کباب آدم سویت که می‌خواهم پناه بارالها خود که می‌باشی امین من چطور آیم که با دست تهی اینچنین رسمی نمی‌باشد سیاق دارد از لطف تقاضا هر کسی هم به انسان و هم جنّ و پری از عنا یا تت و هم شایستگی بر همه موجود تابد نور حق بر همه معلوم می‌باشد رت حاجتم کردی روا تو بارها کن سعادت سرنوشتم را قرین نور را بر قلب جاری می‌کند چون کز آن (مظفری) برد ست سود</p>	<p>گر کسی چون حلقه گوید به در ۲۵۵ ای خدا بیدار کن ما را ز خواب ای خدا بنما کمک از پرتگاه من خودم با خود بگفتم اینچنین خم چرا گشته که این سرو سُهی با چنین رغبت و با این اشتیاق ۲۶۰ چند می‌باشد گنه سنگین بسی دانم از بخشنده بخشنده‌تری روی سویت آورم از خستگی گر مرا باشد گناهی مستحق حاجتی باشد مرا از حضرتت ۲۶۵ در بیابان داخل این خارها سجده بنموده بگویم اینچنین فضل تو ما را که یاری می‌کند بر محمد آل او باشد درود</p>
--	--

دعای ۱۴

دعاوه علیه السلام فی الضلالت

دعای چهاردهم: دعای آن حضرت هر گاه کسی به او ستم می‌کرد.

<p>همچنانکه بر تو میباشد عیان تو خودت دانی پریشان حال کیست دست مظلومین بدرگاہت دراز نی بود بر درگهت آنرا نهران هم بیفزودی به آتش نعمتت ظلم بیداد بلاها بر سرش تیر غیبی را بزن بر جانشان در عوض رحمت نما تو ای حیب هم شود بر خویش و هم آنها عیان شامل لطفت که میباشد دلم آنچنان کردی برایم اختیار غیر تو من بر کسی رو آورم تو بمظلومین همیشه یار کن در قیامت فکر مردم جان بود تو کریمی و و هم بنده‌نواز چون به نزد حضرتت آسوده جان</p>	<p>ای خدا احوال ستمدیدگان ۲۷۰ بارالها آن به تو پوشیده نیست بر توئی باشد گواهان را نیاز هتک حرمت شخص فرزند فلان منع کردی ظلم بر پیغمبرت امتش طغیان نموده در برش ۲۷۵ تلخ گردان ای خدا بر کامشان آنچنان ظلمیکه بر من شد نصیب تو مرا پیروز بنما آنچنان هم ز مکر حیل و رنج و الم قانع راضی منم ای کردگار ۲۸۰ حاشه الله گر تو باشی یاورم ظالمان را ای خدا یا خوار کن ای خدایا گر صلاحم آن بود انتقامم را به آن موکول ساز بارالها ده (مظفر) را امان</p>
--	---

دعای ۱۵

دعاوه عليه السلام عند المرض

دعای پانزدهم: دعای آن حضرت هنگام مریضی

۲۸۵	ای خدا دائم ستایش میکنم	من ترا دائم نیایش می‌کنم
	گر مریضی آیدش بر جان و تن	چونکه کفاره گناهانست من
	من نمی‌دانم کدامین بهتر است	این دو بر حمد تو شایسته‌تر است
	تندرستی را که بودش نعمت	یا نشاطم داده‌ای بر طاعتت
	وقت بیماری بود آدم هلاک	از گناهان زین سبب باشد که پاک
۲۹۰	لطف کردی جسم هم جان را بمن	هم سبک کردی گناهان را به من
	از فرو رفتن مرا در منجلاب	مر بدن (بار) گُنه را نیست تاب
	این معاصی را خدا بنما تو پاک	همچو نورس سبزه روید ز خاک
	ای خداوند کریم و عزوجاه	فضل احسانی و بخشنده گناه
	این (مظفر) توی دریای عظیم	چون گرفتار است و تو هستی رحیم
۲۹۵	دین احمد را همیشه قائم	ای خدا سالم رسان بر ساحلم

دعای ۱۶

دعاوة عليه السلام فى الأستقاله

دعای شانزدهم: دعای آن حضرت هنگام عفو و گذشت

ای خداوند کریم دادرس	بر گنهکاران توئی فریادرس
----------------------	--------------------------

دعای ۱۶

<p>آورد دائم بدرگاهت پناه ای پناهنده دل بشکسته را یا که آن از خستگی درمانده شد مهر تو از قهر تو بالاتر است معصیت کاران بود کارش خطا پیشگاهت ای خدا شرمندهام عمر من کز روی نادانی تباه گر کنه‌کارم تو میباشی رحیم آنقدر که تا شوم من بیقرار عجز و لابه گر کنم از فقر خویش لطف تو باشد همیشه بر سرم رو نگردان زین دل آزردهام ای خدا دستم بگیر افتادهام قلب من ساکت شود از یاد تو گوید ای یارب مرا نما خجل تپش قلبم به بین ای کردگار شرمساری میشود بر جسم و جان</p>	<p>این خطاکاران همی با ترس آه تو کمک بنموده ای هر خسته را یاور هر کس که از در رانده شد ۳۰۰ عفو هم بخشایشت والاتر است ای رحیم و راحم جودو عطا گر بگوید ای خدا من بندهام پشت من خم گشته از بار گناه معصیت کردم خداوندکریم ۳۰۵ بیشتر گریه کنم با حال و زار خاک سایم از خجل بر روی خویش بارالها چون توئی صاحب کرم ای خدایا بر تو روی آوردهام خاضعانه درگهت ایستادهام ۳۱۰ عفو و بخشش میشود چون کار تو ریزش اشکم همی با چشم دل ای خدا باشم همیشه شرمسار مر صدا خاموش باشد هم زبان</p>
--	---

دعای ۱۶

<p>بر ره راستم همی پرداختی یا که از من سر زند از راه ریب زشتهایش را کنم من گفتگو یا بدیهایی که از من می‌رسد میشود ما را مسیر معصیت یا که باشد غرقه چون توی آب ترسمی از راه حق باشم جدا اینطرف رضوان باشد ای رحیم دعوتت همواره سوی جنت است مر نکن بر نفس عماره اسیر خارج از احصا شود چون ریبها مرترا باشد وظیفه بندگی از گنهاری کسی نابرده سود اشکها ریزد فرو از دیدگان تا کنم بر درگهت راز و نیاز تا کمر بشکسته با حال خضوع چشم‌ها بیرون فتد از ترس جان شربت‌م هم آب و خاکستر شود</p>	<p>عیبها بسیار پنهان ساختی ۳۱۵ ای بسا باشد مرا بسیار عیب گر شوم همسایه رامن عیب‌جو یا که نعمت داده‌ای باشد حسد حالی‌ا من در مسیر نعمتت چون فرو رفته به باطل منجلاب ۳۲۰ مانده چون سر به دو راهی ای خدا آنطرف دوزخ که شیطان الرجیم فضل تو یارب همیشه نعمت است ای خدا باشد گناهانم کثیر نقص‌هایم را تمام از عیبها ۳۲۵ لطف تو باشد همه بخشندگی آل احمد را شود از من درود ای خدا ناله نمایم آنچنان آنچنان باید ستاده در نماز میکنم در حضرتت چندان رکوع ۳۳۰ در حضورت سجده افتم آنچنان چون غذا خاک و زمین بستر شود</p>
---	---

دعای ۱۶

<p>از تنم بیرون نماید خستگی نی توانم روی چون بر آسمان شامل بخشش تو یارب در گذر در چنین احوال سودایم نکن تو کریمی و هم بنده نواز مژده آنرا بده اکنون به من با وضوح روشنی یابم که چیست هر مشیّت را بدانی بهتر است</p>	<p>ذکر تو باشد مرا پیوستگی بعد از این کز شرمهای ناتوان در همان هنگام باشم من اگر ۳۳۵ ای خداوندا تو رسوایم نکن روزیم فرما به توبه پاک ساز تو کریمی ای خدای ذوالمنن این چنین کاری به تو دشوار نیست رحم کن یارب (مظفر) کهتر است</p>
---	--

دعای ۱۷

دعاؤه علیه السلام علی الشیطان

(دعای هفدهم): دعای آن حضرت علیه شیطان

<p>از خیانت‌های شیطان الرجیم معصیت باشد همیشه دام او آهن بیهوده را مانند زر ای خدا ابلیس را از ما بران ستر پرده بین ما باشد حجاب شر شیطان را نما از ما به دور</p>	<p>۳۴۰ ده پناهم ای خداوند کریم وعده‌ها باطل شود از نام او چیز بد را میکند آن جلوه‌گر ناپسندی را دهد بر ما نشان ای خداوندا نداریم ما چو تاب ۳۴۵ آل پیغمبر شود بر ما چو نور</p>
---	---

دعای ۱۷

<p>تو هدایت کن مرا از قید و بند تو عنایت کن که بر تقوای ما مهر تو باشد به قلبم خانه‌ای وقت غفلت خود مرا بیدار کن هم پدر و مادر و هم خویشان ما از دژ مستحکمت ما را معین هم سلاح تیز بر دستم بده تا تن آنرا کنم من ریز ریز هر چه تدبیری کند در هم شکن خود سپاهش را نمائی دلخراش هم پناهگاهش کَانَ لَمْ یَكُنْ جای آن بنما که چاه و یل وای هم محمد خاتم آن سروران باشد آنها جملگی با فضل وجود جملگی بر درگهت آرد پناه هم در این دنیا و هم در آن سرا</p>	<p>حیلۀ شیطان چو باشد دردمند آن شود باعث که بر گمراه ما آن به دل خواهد گذارد لانه‌ای ای خدا ابلیس را تو خوار کن ۳۵۰ قطع امیدش بکن از جان ما هم ز نزدیکان همسایه چنین ای خدا پوشان مرا بر تن زره تا نمایم من که با شیطان ستیز بر شکاف هر چه بدوزد آن به تن ۳۵۵ هر چه محکم سازد آن از هم بپاش حیله‌هایش را خدا باطل بکن بینی آنرا خودت بر خاک سای ای خدا بر حرمت پیغمبران خاندانش را رسان از ما درود ۳۶۰ مؤمنین مؤمنات ای عزجاء ای خدا بنما (مظفر) تو مرا</p>
--	---

دعای ۱۸

الدعاء ۱۸: دعاوة علیه السلام فی المحذورات

دعای هیجدهم: دعای آن حضرت هنگام دفع بلیات

<p>خارج از فهم و وهم فکر و قیاس قوتی غیر تو لا حول و لا حمد میگویم به تو رب العظیم خود نصیبم کن مرا از رحمتت اجر پاداشم شود در آخروی هم سعادت عافیت را دین بود بارالها عفو کن بر من خطا رو به درگه ربِّ یا ربِّ میکنم راحتم کن از بلای آخرت آنچه اندک نیست پایانش بقاست رحمت خود را مکن از من جدا</p>	<p>ای خدا از من به درگاهت سپاس دفع کردی ای خدا از من بلا بندهای هستم ضعیف و تو کریم ۳۶۵ مرحمت فرمودهای از نعمتت آن مرا باشد ضرور دنیوی صابران را اجر پاداش این بود عافیت دنیوی کردی عطا شب به روز روز را شب میکنم ۳۷۰ گر مرا باشد نصیبی عافیت چونکه چیزی را که فرجامش فناست اینچنین گوید (مظفر) ایخدا</p>
---	---

دعای ۱۹

الدعاوه (۱۹) دعاوه علیه السلام فی الأستسقاء

(دعای نوزدهم): دعای آن حضرت در طلب باران

<p>بعد از آن نعت رسول تاجدار کز عمل در پیش تو شرمندهایم</p>	<p>اول نامم به نام کردگار ای خدا تو خالق و ما بندهایم</p>
---	---

دعای ۱۹

<p>ابر باران جملگی در دست تست گر نبارد روز میگردد سیاه گر بیارانی برامان منت است کم نکن افزون نما تو صبر را تا زمین آرد گیاهان جدید بعد از آن روشن شود گر آفتاب بارالها چون توئی بنده نواز تو بکن شیرین بکامم ای غفور چاهها پر آب و هم کاری شود نرخها ارزان شود در شهرها روزی خوبی شود بر مردمی بر همه قسمت کنی خود داوری شب به روز آید شود پیروز بخت بچه‌ها خوردند میباشند سیر خالق هستی تو میباشی ودود تو (مظفر) را نکن یا رب ملول</p>	<p>۳۷۵ تو به ما باران رحمت را فرست گر ببارد ابر میروید گیاه آب باران چون همیشه رحمت است بارالها سایه‌های ابر را میخ باید تا که باران شدید ۳۸۰ گر چه باران آید از بحر سحاب تو گیاهان را خودت سیراب ساز آب باران را نکن تو تلخ و شور چشمه‌ساران چون کزو جاری شود آنزمان پر آب گردد نهرها ۳۸۵ زنده‌سازی چارپایان را همی آنچه را از خاک بیرون آوری بر ثمر بنشست وقتی آن درخت پر بکن یا رب تو پستان را به شیر زنده‌سازی مرده را از بحر جود ۳۹۰ بارالها حرمت آل رسول</p>
--	--

دعای ۲۰

الدعاء ۲۰: دعاوه عليه السلام في مكارم الاخلاق
(دعای بیستم): دعای آن حضرت در مکارم اخلاق
ای خدا صلوا

۳۹۵

۴۰۰

۴۰۵

دعای ۲۰

<p>یا که در قلبش چو باشد پيله‌ای حيله‌هایش را خودت بر هم زنی هم غَسَق را خود مبدل روز کن یا به هر کاری اگر ما را رواست خیرخواهی پیشه سازم وقت کار تو خودت پرهیزکاری ده به من آشتی دادن میان مؤمنین تا دهم آشتی که شاید بین آن دست خالی‌ام تو از دنیا مبر تا شوم من پیر می‌باشد ثمر بر خدا رو آورم باشد نیاز غیر تو آیا به که رو آورم؟ خاطرم افکنده غوغا میکند گر بگویم ناسزا بر دیگران ناپسندی یا که بدخوئی کنم از گنه یارب مرا بنما معاف خود مرا از گجرویه‌ها دور دار ما گنهاریم و تو باشی رحیم</p>	<p>گر کسی بر من نماید حيله‌ای یا که باشد گر برایم دشمنی ای خدا بر دشمنم پیروز کن خود هدایت کن مرا بر راه راست در امانت خود مرا پیروز دار ای خداوند کریم ذوالمنن خود کمک بنما میان مسلمین من کنم پنهان عیب دیگران مر گناهان را خدا اندک شمر وسعت رزقم بده ای دادگر تنبلی را در عبادت دور ساز در گرفتاری کمک ای داورم آنچه شیطان در یلِ القأ می‌کند قدرت فکر و تدبیر آنچنان هرزه‌گوئی یا که بدگوئی کنم من بدرگاهت نمایم اعتراف تو هدایت کن شوم پرهیزکار گر مرا باشد خطا هستی کریم</p>
---	--

دعای ۲۰

<p>نام خود را بر دلم باقی‌گذار آروزهایم همه در نزد تست آل احمد را نکن از ما جدا بر من بیچاره خود منت گذار بر زبان یارب به دل بانگ جرس یا که از وحش و یا جنبندگان رهنمائی کن مرا بنما تو شاد ما گنهاریم و تو بنده‌نواز هم موفق کن مرا در عاقبت حرمت آل محمد ای کریم خود بپوشانی خدایا در برم وسعت روزی بکن بر من عطا هیچ شریکی بر تو قائل نیستم خود مرا ز اسراف کردن بازدار در ره انفاق کن یارائیم آنچه مردم را نمی‌باشد گمان خود عطا فرما به من باشد حلال تا نباشد آن برایم ناگوار</p>	<p>۴۲۵ قلب ما را ای خدا مشغول دار چشم امیدم خدایا دست تست استغاثه میکنیم ما ای خدا آنچه از دستم رود خود یاردار آنقدر یارب که می‌آید نفس ۴۳۰ گر مرا رنجی رسد از بندگان بارالها رحم کن روز معاد هر بدی را بارالها دفع ساز مر بپوشانی لباس عافیت نام تو باشد که رحمن الرحیم ۴۳۵ آن لباس زهد تقوای کرم بارالها گر چه من کردم خطا ای خدا تا حال سالم زیستم از تو میخواهم که ای پروردگار با برکت کن خدا دارائیم ۴۴۰ در ره تحصیل ما روزی‌رسان روزیم را ای خدای لایزال در طلب رزق روزی کسب کار</p>
---	---

دعای ۲۰

خود کمک کن آنچه را خواهم طلب	تندرستی در عبادت کن سبب	
تو محقق ساز در اندیشه‌ام	علم مقرون با عمل کن پیشه‌ام	
هم در رحمت گشا بر روی من	راه را آسان نما بر سوی من	۴۴۵
از عذاب دوزخت محفوظ دار	در قیامت چون همه گیرد قرار	
بر (مظفر) رحم کن در آخرت	ای خداوند جلیل و مغفرت	

دعای ۲۱

الدعاء ۲۱: دعاوه علیه‌السلام اذا حزنه امر

(دعای بیست و یکم): دعای آن حضرت هرگاه از چیزی محزون میشد

تو نمائی ناتوان را بی‌نیاز	ای خدا با تو کنم راز و نیاز	
خشم اگر گیرد مرا داور توئی	ایکه در تنهائیم یاور توئی	
لطف تو آرامبخش خاطر من	ترس اگر باشد مرا در ظاهر من	۴۵۰
یا مرا یاری کند لرزانده‌ای؟	کیست مرا ایمن ورا ترسانده‌ای؟	
میکنی مغلوب ویرا ناتوان	یا کی هست نیرو دهد یا رب به آن؟	
آب را در تشنگی جاری کند	جز خدا نبود مرا یاری کند	
گر پناهنده شوم من کوی تست	ای خدا تنها گریزم سوی تست	
غمّ و غم را بکن از دل برون	بارالها روزیم بنما فزون	۴۵۵
هم قضا تقدیر تو نافذ بود	حکم تو در باره‌ام نافذ بود	

دعای ۲۱

<p>از قلمرو تو نتوان رفت برون درجات عالیّه نائل کن ورد من باشد که اللهُ الصَّمَد میکنم بر ناتوانی اعتراف بر دل من بینوا باشد صفا هرگز از نعمت فراموشم مساز خود فراموشم نکن در امتحان حاجتم بنما رواکن عافیت در زمان صحّتی یا بیهوشی یا خمیده قد یا سرو سُهی من ستایش می‌کنم از حضرتت طاعتت بر قلب من هادی شود کارهایم را مبدّل بر حسن پیروانش مفتخر از این کلام بر طریق عالیّه و اصل نما سفرم را هم بسوی رحمتت جایگاهم را دهی در جنّتت مرحمی باشد مرا بر قلب ریش</p>	<p>صیقلی کن قلب ما را از درون بارالها نیّتم حاصل بکن ای خدا ما را خودت بنما مدد ۴۶۰ حرفهایم ای خدا نبود گزاف پس به آنچه وعده دادی کن وفا ای خدا بر درگهت دارم نیاز شکر احسانی که دادی مر به آن در گرفتاری نباشد عاقبت ۴۶۵ در خوشی باشم و یا که ناخوشی در توانمندی و یا دست تهی تو بمن وافر نمودی نعمتت چون عطا کردی به من شادی شود جامهٔ تقوی بپوشانی به من ۴۷۰ بر محمد آل او باشد سلام بارالها نیّتم حاصل نما توشه‌ام را خود دهی از حکمتت هم ورودم را بحول قوتت هم گریزم را نما بر سوی خویش</p>
---	---

دعای ۲۱

۴۷۵ اُنس با خود طاعتی بر دوستان
زیربار منّت هر فاجری
بارالها تو نکن محتاج آن
خود مرا محتاج بنمائی به خود
بر محمد آل او صلوا

۴۸۰

دعای ۲۲

<p>من فرورفته به گِل خود میجهند کارها را خود بمن آسان بساز هم زدرگاهت صوابی ده مرا کن قبولم از گناهان باز دار در جوار رحمت خود ده پناه از ادا باشم ضعیف و ناتوان یا قُوای بدنی باشم نحیف تو کرم کن ای خدا بنما عطا تا شود چیزی از آن بر زِمّه‌ام یا بیفزائی برایم سیّئات تا ذخیره آن شود در آخرت حُزن اندوهی نیفزائی به تن ایمنی از خشم را باعث شود از تواضع چون سرم زانو رسد قلب ما را شاد بنما از درون زُهد تقوایم شود در اُخروی چون توئی دائم یگانه بی شریک از بلایای خودت محروس دار</p>	<p>کار ناکرده به من مَنّت نهند ۴۹۰ بر تو یارب همچو میباشد نیاز از حسادت خود رهائی ده مرا توبه گر از سوی تو گیرد قرار بارالها خود مَن گم کرده راه آنچه را تکلیف بنمودی به آن ۴۹۵ از لحاظ ثروتی باشم ضعیف از دیون باشد اگر ما را خطا تو توانگر هستی و هم باکرم درمقابل کم کنی از حَسَنات قلب ما (تابان) ز نور معرفت ۵۰۰ وعده پاداش روزی کن بمن در همه احوال گر حادث شود سینه‌ام را پاک گردان از حسد نعمتت را ای خدا بنما فزون نعمتی دینی شود یا دُنیوی ۵۰۵ ای خداوند بزرگ لاشریک از خطاهایم خدا محفوظ دار</p>
---	---

دعای ۲۲

چون رحیم هستی و هم بنده نواز	عاقبت ما را خودت خشنود ساز
گر گنهکاری خدا دارد عطا	ای (مظفر) بیم داری از خطا؟

دعای ۲۳

الدعاء ۲۳: دعاوه علیه اسلام بالعافیه

دعای بیست و سوم: دعای آن حضرت در طلب عافیت

صلوا

۵۱۰

۵۱۵

۵۲۰

دعای ۲۳

<p>تو یارب حفظ کن از شر شیطان که مغرورم نکن از ناز و نعمت قوی پنجه و یا اینکه جوان را الهی رحم بنمائی بحالم تو یارب حفظ کن ما را ز شرّش و یا پشت سرم باشد که غیبت نگهدارم خدا باید تو باشی کمک بنما مرا باشم (مظفر)</p>	<p>زِ هَر بیگانه‌ای یا شرّ خویشان زِ هَر عیّاشی و از شرّ شهوت زِ شرّ هر ضعیف و ناتوان را زِ شرّ این همه موجود عالم ۵۲۵ اگر بدخواه می‌باشد ز مکرش برایم گر زند آنها که تهمت نظامش را خودت از هم بیاشی خداوندا توئی هم یار و یاور</p>
--	--

دعای ۲۴

الدعاء ۲۴: دعاوه علیه السلام لأبویه

دعای بیست و چهارم: دعای آن حضرت برای پدر و مادرش

<p>که هم بنده و هم پیغمبر تست سلام بر باطن و هم ظاهر او زمن باشد که بر آنها سلامی بطور کاملی بنما فراهم عطا فرما بصیرتهای بینش زمن ار فوت شد باشم که خائف</p>	<p>خداوندا محمد بنده تست ۵۳۰ سلام بر اهلبیت طاهر او پدر و مادر مرا باشد گرامی ز درگاهت خدایا هر چه خواهم فراهم کن برای علم و دانش بیاموزی مرا شرح وظائف</p>
--	--

دعای ۲۴

نبوت داده‌ای خود بر محمد چنان مر پیروان را هست طاعت شکوه عزت و مال و منال است برایشان من نمایم مهربانی بود چون شربت‌ی بر تشنه کامان بود خشنودی آنها به دینم که بر آنها شود باید ملایم الهی مشفق و هم جاودان کن خدایا خود نما شیرین بکامی و یا ضایع شده حقی ز دیده مرا آمرزشی باشد گناهان و یا سستی شود در موقع کار و یا نسبت به من نبود در این راه مرارتهای و نالت را که دیدند مجازاتی نمیخواهم ز آنان اگر بر والدیم کردم خطائی بحق خاطر شب زنده‌داران بحق حرمت یاسین طه	۵۳۵ شرف بخشیده‌ای بر آل احمد که ما را حق میباشد امامت پدر و مادر مرا جاه و جلال است خدا توفیق ده در نوجوانی الهی خواب شیرین بر جوانان ۵۴۰ مرا ترجیح باشد والدینم اگر بسیار میباشد صدایم دلم یارب بر آنان مهربان کن سزای مزدشان باشد گرامی به آنان گر بدی از من رسیده ۵۴۵ اگر نیکی نمایم من به ایشان ز آنها گر شود تندی به گفتار اگر حقی زمن گردیده کوتاه برایم رنج‌هایی که کشیدند خداوندا گذشتم من به آنان ۵۵۰ بمن یارب خودت بنما عطائی مبر از خاطر در حق یاران شفاعت کن به من ای بارالها
---	--

دعای ۲۴

چرا غمناک میباشی مظفر	خدا باشد همیشه یار و یاور
-----------------------	---------------------------

دعای ۲۵

الدعاء ۲۵: دعاوه علیه السلام لولده

دعای بیست و پنجم: دعای آن حضرت برای فرزندان

بارالها خود مرا منت گذار	هم بفرزندان من باشی تو یار
۵۵۵ عمر آنانرا خدا أطول نما	روزی خود را بما اکمل نما
خردسالش را خودت آری به بار	جسم هاشان را خدا سالم بدار
نیک گردان ای خدا اخلاقشان	خود قوی بنما هماء اعضایشان
بارالها دینشان بنما قوی	مردم از آنها نباشد منزوی
روزی آنان خودت افزون بدار	کارشان نیکو و هم پرهیزگار
۵۶۰ موقع گفتار در وقت سخن	با بصیرت هم مطیع حق بکن
دوستدار و خیرخواه اولیاء	از معاند دور بنما از بلا
بازوانم را قوی از کارشان	خود قوی گردان که از کردارشان
بارالها خود قوی گردان دلم	زینتی افزون نما بر محفلم
نام نیکم را تو یارب زنده دار	لطف خود را خود بما معطوف دار
۵۶۵ یا ریم بنما ز اولاد ذکور	شرّ عُدوان را نما از ما بدور
دودمانم را تو ای رب الرحیم	حفظ کن از شر شیطان رجیم

دعای ۲۵

<p>نسل انسان را به بیراهه برد میکند گمراه آن در کارها شر شیطانرا ز ماها دور کن کینه و مکرش خودت بر هم زنی گر مرا در کارها باشد خطا موجب اصلاح دنیایم شود آشکارا خواستم یا در نهان خود کمک بنما که باشم رستگار آن موفق شد ز لطف رحمتت در پناه ایزدی محروس شد روزی واسع رسد بروی حلال آن توانگر گشته باشد بی نیاز از عذاب دوزخت محفوظ دار یا که باشد مسلمین و مسلمات رُو به درگه کار تو بخشندگی مهربانست و رؤوف است و رحیم</p>	<p>دشمن قَدَّار دامی گسترده سست بنماید ز شهوت بارها بآید قُدرت وِرا مقهور کن ۵۷۰ یارب آنرا خود به زندان افکنی ایخدا برخواسته هایم کن عطا کن اجابت خود دعایم تا ابد (مرگنه بخشی) کنم اظهار آن مسئلت بنمایم ای پروردگار ۵۷۵ هر که درخواستی نمود از حضرتت هر پناهنده بتو محفوظ شد در تجارت هر که را باشد کمال هر که در بر درگهت بگشوده راز ای خدا ما را خودت ایمن بدار ۵۸۰ هر که باشد مؤمنین و مؤمنات خود و فرزندان من در بندگی ای (مظفر) دان خدا باشد کریم</p>
---	---

دعای ۲۶

الدعاء ۲۶: دعاوه علیه السلام لجیرانه و اولیائه

دعای بیست و ششم: دعای آن حضرت درباره همسایگان

محمد را خدا دادست نعمت	محمد داده بر اسلام نصرت
سفارش کرده بر همسایگان را	خصوصاً در حق آن دوستانرا
خدا بنما تو آنان را موفق	برای ما بود آن دین بر حق
سفارش کرده است آن گر بخواهی	ز بیماران عیادت خیر خواهی
بپوشانی اگر همسایه را عیب	کمک باشد برایت دستی از غیب
اگر همسایه را نفعی رسانی	بدانکه آخرش تنها نمائی
به بدکارانشان نیکی نمائی	ستمکار ار بود خوبی نمائی
نباشی خیره بر آنها زعفت	نباید زد که بر همسایه تهمت
به مبتلا نمائی مهربانی	کمک بنما همیشه آنچه دانی
که در غیابشان دوستی به آنان	تو اخلاص خودت را کن نمایان
به خویشان آنچه را لازم بدانم	کند کاری بدانها جسم و جانم
خدا دارد همیشه باب خیرات	محمد آل او دارد مَبَرَّات
به من روزی بکن از جانب آن	تو روزی میدهی ای حیّ سبحان
مقام را بیفزای علم برتر	مرا روزی دهی هر روز بهتر
خداوندا توئی دارای حکمت	(مظفر) کن مرا از باب رحمت

دعای ۲۷

الدعا، ۲۷: دعاوه علیه السلام لأهل الثغور

دعای بیست و هفتم: دعای آن حضرت برای سپاهیان سرحدات اسلام

<p>رسول خاتمت باشد محمد قِلاع جیش را خود حفظ گردان نگهبانان ما را کن توانگر ز راه تقویت هم خود روا کن سلاحشان بکن هم تیز و بُرآن مسائل را شناسانی ز پنهان که صبر بُردباری مرحمت کن قوی دل کن اگر چه بیقرارند ز تیر دشمنان بنما تو ایمن نمایان کن بهشت عنبرین را که ضلعش زُهره و ضلعی به ناهید برایشان حوری زیبا کرامت مُصَفًّا و عسل هم خوردنیها درختانشان همیشه هست پربار قوی بنما همیشه کل دوران</p>	<p>درودت ای خدا بر آل احمد خدایا دین ما باشد مسلمان ۶۰۰ که مستحکم کنی بر جیش سنگر خدا اَنعامِشان را خود عطا کن فزون بنما خودت تعداد آنان حراست کن ز سنگرهای ایشان به پیروزی خدا یا تقویت کن ۶۰۵ شناسان آنچه آگاهی ندارند بر آنها حمله گر باشد ز دشمن جلو چشم آنها کن قرین را بهشتی را که دارد قصر جاوید فراهم ساختی چون قصر عزت ۶۱۰ که نهری را پر از نوشیدنیها درختان مُشَجَّرِ پُر ز اثمار به پیش چشمهایشان کن نمایان</p>
--	--

دعای ۲۷

<p>برای مسلمین یاور تو باشی کمک بنمود کافر داد کشته سبب شد تا شود پاشیده لشگر بما خود جنگ را آسان بگردان برامان برگزینی حُسن نیت درستی را نما در حکم وادار که قصد آن خودت خالص بگردان که در جنگی علیه دشمنانت کفیل او شود یاری نماید همانند مجاهد اجرشان ده سعادتمند گردد همچو خوشنود رسان روز قیامت خود به احسان و یا در راه مُشرک چون نهد دام و یا اینکه کند آن نیت جنگ مجاهد را بسی باشد نویدی تو جنت کن نصیب و باغ رضوان (مظفر) کن مرا با عزّ و جاهت</p>	<p>خودت ارکان آنها را پپاشی به جنگ بدر فوجی از فرشته هجوم مسلمین بر قوم کافر اگر کافر بجنگد با مسلمان ۶۳۵ بعده گیر ما را بر سلامت بده اخلاق نیکو حی دادار اگر از ما یکی رفته به میدان اگر چه روزیش کردی شهادت که بعد از آن کسی کاری نماید ۶۴۰ خداوندا همیشه صبرشان ده در این دنیا رسان یارب به آن سود آجلش گر رسد عمرش به پایان اگر خدمت کند شخصی به اسلام علیه شِرک آن بنماید آهنگ ۶۴۵ که اسمش ثبت فرمائی شهیدی خدایا بر مجاهد یا شهیدان تقاضا میکنم از پیشگاهت</p>
--	--

دعای ۲۸

الدعاء ۲۸: دعاوه عليه السلام فى التفزع

(دعای بیست و هشتم): دعای آن حضرت در مقام تضرع و زاری به

درگاه خدای عزوجل

<p>که پیوستم به تو فضلت بدیدم بتو آورده‌ام روحی ذوالمن به سوی درگهت آیم چه بهتر رهی غیر تو پیماید شود خوار و یا هر قدرت و نصرت تو هستی که ثروتمند نی باشد فقیر است در این ره عبرتی بگرفت او چند خدا هم راهرا کرده بر او راست و هم والای من تنها توئی تو که حاجت نزد تو (نه شخص دیگر) کسی را کی توان بر تو برابر که بخشنده تو میباشی به مردم کمک بنما تو یارب بر «مظفر»</p>	<p>الهی من خود از مردم بُریدم که رو برتافتم از دیگران من ۶۵۰ نباید من روم برجای دیگر کسی گر گُمرهی باشد وِرا کار یکی را گر دهی عزّت تو هستی کمک از تو نباشد آن حقیر است برای هوشمند آر هست آن پند ۶۵۵ هر آنکس حاجتی را از خدا خواست خدا مولای من تنها توئی تو روا کن حاجتم مولا و سرور شریکی نیست بر تو حی داور مقام ارفعی داری ترحم ۶۶۰ خداوندا توئی والا و برتر</p>
--	---

دعای ۲۹

الدعاء ۲۹: دعاوه عليه السلام: اذا قتر عليه الرزق

(دعای بیست و نهم): دعای آن حضرت هرگاه رزق بر او تنگ میشد

<p>قراری داده‌ای تو امتحان را که می‌باشد برایم سوء ظنی در این مورد ترا کردم فراموش تو روزی می‌دهی ما گفتگوها عطا فرما که می‌باشد مرا گنج به دید چشمها باشد مصوّر که بایستی نمود آنرا تعقل بروزی دادنت هستیم دلشاد همی گفتار حق باید شنفتن که روزی دست تو باشد امینی رهی دیگر نباشد جز طریقت که هرگز آن نمی‌آید پایان در آنجا دائماً نور خدا هست تو قسمت کن دوباره بر «مظفر»</p>	<p>الهی روزی مر بندگان را مرا بر طول عمرم نیست فنی تمام آرزوها گشته خاموش طمع بر طول عمر و آرزوها ۶۶۵ دویدن بیخودی باشد مرا رنج که چیزی گر شود ما را مقدر بدست آوردن روزی تحمل خدایا دائماً کردی قسم یاد الها گفته‌هایت راست گفتن ۶۷۰ خدای آسمان‌ها هم زمینی الهی وعدهات باشد حقیقت مقام رفعتت باشد که شایان طواف کعبه را سعی صفا هست طواف کعبه پابوس پیمبر</p>
--	--

دعای ۳۰

الدعاء ۳۰: دعاوه علیه اسلام فی المعونه علی قضاء الدین

(دعای سی ام): دعای آن حضرت در یاری جستن از خدا برای آدای دین

<p>که خیلی قرض میباشد برایم ادا کن آبرویم را نبرده پراکنده نموده خانه ویران تو ای پروردگارا باش یارم پس از مرگم مرا باشد عقوبت کرم کن ای خدا یابم رهائی رسان روزی حلال و ره بهموار بیفزاید غرورم یا که شوکت محبت در دلم ویران نمایم نصیبم را خدایا اینچنین کن مرا هرگز نمیشد تحمل نصیبم کن بهشت عنبرینم خدا بخشنده میباشد کریم است</p>	<p>۶۷۵ رسول الله را باشد سلامم خدا دینی که رخسارم فسرده که ذهنم را نموده آن پریشان ز فکر قرض مندی بیقرارم در این دنیا برایم هست ذلت ۶۸۰ توانگر کن مرا تا خود کفائی که از تبذیر اسرافم نگهدار اگر دادی خدا یکروز ثروت؟ اگر موجب شود طغیان نمایم فقیران را برایم همنشین کن ۶۸۵ در این دنیای فانی از تجمل خداوندا خودت بنما قرینم گناه تو (مظفر) گر عظیم است</p>
--	---

دعای ۳۱

الدعاء ۳۱: دعاوه علیه السلام بالتوبه

(دعای سی و یکم): دعای آن حضرت در توبه

<p>چگونه نعت گویم یا که تعریف ترا رحمت ز درگه نیست پایان و یا ترس از خدا خوف و خشیت که او را کجروی باشد ز شیطان نسنجیده ستم بر خویش کرده امیدی قطع گردیده ز عالم ستاده پیشگاهت با تذلل خداوندا تو آگاهی ز آنان بسا بسیار میباشد و مهلک عدالت را نباید کرد انکار عظیم الشان میباشی کریمی بخواند گرترا باشد اجابت تو یارب عفو بنمائی ز عصیان که توبه بندگان را می پذیری که من باشم همیشه با دیانت ز راه معرفت آنرا به بینم</p>	<p>زبانم قاصر است یا رب ز توصیف الهی رحمت امیدواران ۶۹۰ درجاتی همی دارد عبادت کسیکه دست می یازد گناهان به چشمش ابر ظلمت بود پرده بسی شرم حیا پر از دلی غم بخواری سر بزیر و بی تحمل ۶۹۵ خجل باشم به تعداد گناهان قضاوت گر شود آن نیست کوچک عقابی گر کنی یا عفو در کار توئی دریای رحمت خود رحیمی اگر باشد کسی را آن سعادت ۷۰۰ کنم گر اعترافی بر گناهان خداوندا و کریم بی نظیری تعهد میکنم من با ضمانت همی از راه بد دوری گزینم</p>
--	--

دعای ۳۱

زنادانی مرا باشد جهالت	۷۰۵ پذیرا باش عذرم را ز احسان
به بخشائی مرا از راه عزت	اگر باشم سزاوار شفاعت
لباس عافیت بر من بپوشان	هراسی افکند بر دل گناهم
شفیعم باش از راه عنایت	گناهان گر مرا بنمود خوارم
فقط یارب تو میباشی پناهم	خداوندا تو میباشی حبیبم
خودت رحمی نما بر حال زارم	۷۱۰ الهی توبه کردن باشد آسان
بروز حشر خود باشی شفیعم	دعایم را خدایا کن اجابت
مرا از توبه نومیدم مگردان	
«مظفر» را تو بنمائی شفاعت	

دعای ۳۲

الدعاء ۳۲: علیه السلام فی صلا

دعای ۳۲

<p>ای خدا رحمی نما بر کار من درگذشتن هم بتو دشوار نیست معصیت کردم که از من درگذر التَّجَا کَرَدَم بَدْرَگَه بَارَهَا فکر را مغشوش پایم بسته است من دخیلم ای خداوند کریم بر عداوت سوی ما برخواسته دعوتم بر کلمه کیفر نمود پشت خود بر من که بنموده فرار ایمنی بخشد مرا روی زمین نه پناهی هست من آنجا روم عفو بنمائی مرا از رحمتت من بدرگاهت همی جُستم پناه خاضع و با گردنی افتاده پیش چون بپا ایستاده با قلب نوید از غضب یارب مرا ایمن بدار سرفکنده هستم و با قلب ریش شاهدی بوده بکار صالحان</p>	<p>معصیت را میکنم اقرار من ۷۲۰ غیر تو یارب که ما را یار نیست بارالها عمر را دادم هدر واقف هستی ایخدا بر کارها چون مرا شیطان مسلط گشته است تو نجاتم ده ز ابلیس ای رحیم ۷۲۵ از تو فرصت تا قیامت خواسته خود تبری جسته از اعمال خود آن مرا تنها و خشم کردگار نه شفיעی نه کسی باشد معین حصن نی از خشم تو پنهان شوم ۷۳۰ من پناه آرم خدا بر درگهت مرتکب گشتم مرا باشد گناه خشمگین هستم خدا بر نفس خویش با هزاران وضع هم بیم و امید من بدرگاهت خدا امیدوار ۷۳۵ عفو بنمائی مرا با فضل خویش هم فرشته‌ها و هم پیغمبران</p>
--	---

دعای ۳۲

<p>من ز همسایه که پنهان داشتم روی آوردم بتو با قلب شاد نی کنی ما را ز درگاهت جدا هم ز احسانت نبودم بی نیاز داده‌ای هم رفع کردی محنتم حُسن انعامت بود دربارهام بارالها ده نجاتم ای رحیم رحم کن بر ما توئی با فضل جود همه را در طاعتت محسوب دار چشمها شانرا کشیدی پرده‌ای می‌کند بخشی به بخشی حمله‌ور استخوانها را که خاکستر کند می‌خورند از آب جوشان حمیم چون بدنها سوخته هم سینه چاک حمله‌ای آنها که بنماید چنان پاره بنمایند همه احشائشان ای رحیم و راحم بنده نواز زاتش دوزخ پناهم ده پناه</p>	<p>راز پوشی را چو بد انگاشتم چون بدرگاهت که دارم اعتماد تو مرا خود آفریدی ای خدا ۷۴۰ رزق تو یارب مرا باشد نیاز روزیم را از نخست خلقتم در گرفتاری نمودی چاره‌ام شاکی هستم من ز شیطان رجیم بر محمد آل او باشد درود ۷۴۵ عمر را بگذشتمی چندین بهار اهل عصیان سخت‌گیری کرده‌ای آتشی دارد که دوزخ شعله‌ور آتشی را همچو رُعبی افکند دائماً اهل جهنم ای کریم ۷۵۰ آتش سوزان باشد دردناک مار و عقرب باز میباشد دهان می‌گزند آنها که با دندانیشان خود مرا یارب ز آنها دور ساز ای کریم‌اگر مرا باشد گناه</p>
---	--

دعای ۳۲

۷۵۵	لطف کن یارب بحق پنج تن بارالها خود (مظفر) کن مرا	رحم بنمائی خداوندا به من هم در این دنیا و هم در آن سرا
-----	---	---

دعای ۳۳

الدعاء ۳۳: دعاوه عليه السلام في الأستخاره

(دعای سی و سوم): دعای آن حضرت در مقام استخاره (طلب خیر از

خدا)

۷۶۰	ای خدای لاشریک بی مثال استخاره گر کنم از درگهت من بسی خوشحال میباشم به خیر بر محمد آل او از من سلام حکم بنمائی خدا دربارهام خود مقدر کن به ما خوشنودیت من پشیمانم چو میباشد خطا رهنمائی کن براه مخلصین	خالق یکتا و با فضل کمال یار من باشی خدا از هر جهت یا ندانسته شقاوت را به سیر اول مطلب و هم آخر کلام خیر نیکوئی گزینی چاره‌ام ما رضا باشیم بر دلجوئیت هر چه تقدیرم نمائی کن عطا لطف بنائی مرا (عین الیقین)
۷۶۵	از شناخت مصلحت درماندگی گرچه نادانی بود از روی جهل هر چه را باشد خلاف عاقبت	بارالها می‌شود شرمندگی مر سعادت را که باشد بر تو سهل راه تو باشد که حسن عاقبت

دعای ۳۳

گر مرا اِکراه باشد در نماز آنچه را در حکم تو دشوار هست ۷۷۰ هر مشیّت بود خود مُلّهَم بساز بر (مظفر) لطف بنمائی انیس قادر قدرت نمای مهربان	بارالها پیش من محبوب ساز کن به ما آسان که هر پندار هست ای خداوندا تو باشی کارساز چون توئی خالق عطاهایت نفیس هر چه را خواهی توانائی به آن
--	--

دعای ۳۴

الدعاء ۳۴: اذا ابتلی او دای مبتلی بفضیحه بذب

(دعای سی و چهارم): دعای آنحضرت هنگام گرفتاری یا دیدن کسیکه گرفتار فضیحت گناه شده است.

من ترا یارب ستایش میکنم میکشی ستری به عیب بندگان ۷۷۵ فعل بدکاران اگر باشد هدر گر گناهان میکند ما را پلید نهی فرمودی که ما (از راه جهل) چه بسا بسیار باشد سیئات مطلع بودی تو پنهان داشتی ۷۸۰ میتوانستی نمائی آشکار	هم بدرگاهت نیایش میکنم بر تبهاران و هم بینندهگان یارب از تقصیرهاشان درگذر راهرآ آن میکند بر ما سدید تا شمریم کاررا (بر خویش سهل) میشود شیرین بما مثل نبات اشتباهی (ما قدم) برداشتی آن قبائح را که بر ما بود کار
--	--

دعای ۳۴

شد حجاب چشم آن بینندگان آتشی گر بود آب آید بجوش لطف بنمائی شود ترک گناه کن کن هدایت بر طریق مستقیم ذهن ما را از خودت غافل مساز تو مرا بخشی خدا از راه جود از مطیعانست خدایا ده قرار تا (مظفر) من شوم در کار خود	لیک عفو بخششت بر بندگان از شنیدن آن خطاها را بگوش بارالها درگهت آریم پناه این گنهکاران را تو ای کریم یارب این توفیق را نزدیک ساز ما پشیمان گشته‌ایم از کار خود امر معروف نمودی خود بکار لطف کن یارب مرا از راه جود	۷۸۵
--	---	-----

دعای ۳۵

الدعاء ۳۵: دعاوه علیه‌السلام فی الرضا بالقضاء

(دعای سی و پنجم): دعای آنحضرت در خشنودی به قضا و قدر الهی

راضیم خشنودی پروردگار قلب را در سینه‌ها پرورده‌ای میکنی تقسیم بر جنبندگان واله وحیران دل بر شوکت	حمدالله بر خدای کردگار راضیم آنچه مقدر کرده‌ای میدهی روزی برای بندگان عدل باشد مقتضای حکمت	۷۹۰
---	---	-----

دعای ۳۶

الدعاء ۳۶: دعاوه عليه السلام عند سماع الرعد

(دعای سی و ششم): دعای آن حضرت هنگام نظر به ابر و برق و

شنیدن غرش رعد

<p>رعد و برق از دو نشان قدرتت بارش باران بد بر ما مبار رحمتت باران باشد سود بخش جسمان را از عقوبت دورساز دور کن از چشم نابینا نقاب هم عذابت را برای مَلحدین بارالها کن عذابت را شدید کن سقایت زابیاری بر طرف خود توجه کن برای مؤمنین منبع احسان میباشی کرم درگه تو پیر و هم بُرنا یکیست هر مریضی را تو درمان میدهی هم سپاس و هم نیایش میکنم عالم آرائی تو بنمائی کرم</p>	<p>بارالها شکر بر آن نعمتت آن دو میباشند دو خدمتگزار ابر رحمت میشود چون روحبخش ای خداوند کریم کارساز بارالها دور کن از ما عقاب آن عقوبت را برای مشرکین هر دوی آنها که میباشد پلید ابر رحمت را بما از هر طرف رِزق را وافر نما بر مسلمین غیر تو زکری نباشد در برم در حوادث غیر تو چون یار نیست هر اراده هست فرمان میدهی من ترا یارب ستایش میکنم هر که را خواهی دهی آنرا نعم</p>
--	---

دعای ۳۶

مر ترا باشد سپاسی آنچه آنچنان آسمان مملو حمد حضرتت صاحب احسان نیکوئی توئی بازگشت اهل عالم سوی تست خود (مظفر) را به بخشای کریم	کز فزونتر از زمین و آسمان تو عطا کردی به ماها نعمتت بر فقیران مهر دلجوئی توئی رو بسوی درگه نیکوی تست عادتت احسان و هم باشی رحیم	۸۲۵
---	---	-----

دعای ۳۷

الدعاء ۳۷: دعاوه علیه السلام فی التشرک

(دعای سی و هفتم): دعای آنحضرت در اعتراف به تقصیر در ادای

شکر الهی

قدرتت باشد خدایا آنچه آنچنان کی توان کس شکر تو آرد بجا صاحب احسان و هم نعمت توئی هر کسی هر چه نماید طاعتت کوششی گر میکند آن جایز است بندگان محتاج آب نان تست طاعتی اندک بود در کار ما گر چه ما بر شکر و طاعت ناتوان	کی توان گفتا کسی یارای آن مشرق و مغرب و یا اینکه کجا صاحب شوکت و هم قدرت توئی در قبال جود فضل نعمتت بندگان از شکر کردن عاجز است گر دهی از خوان و هم احسان تست میدهی پاداش بر اعمال ما لیک آن واجب بود مر بندگان	۸۳۰
--	--	-----

دعای ۳۷

<p>در ثواب آن بدیل باشد رجاء قلبشان را خود منور کرده‌ای خانه از نیرنگ آن ویران بود خانه دل را کند زیر و زبر معصیت‌ها را تو مهلت می‌دهی اجر پاداشی ورا باشد بکار در گرو میماند آن شایستگی خود ز آن اعمال شد پیراسته توبه بنماید تو باشی یار او از عقاب سخت مهلت می‌دهی نی ز درگه میشود احسان کم دائماً یارب مرا باشی معین</p>	<p>پیش از آنکه طاعتی آید بجا ۸۳۵ مزد آنانرا مقدر کرده‌ای خدعه و نیرنگ از شیطان بود میکند ناحق را حق جلوه‌گر آن مطیعان را تو دولت می‌دهی هر که در دنیا دهد انجام کار ۸۴۰ هر کسی را تا شود بایستگی بر عبادت هر کسی برخواسته هر که را باشد خلل در کار او بر گنهکاران تو فرصت می‌دهی راه تو یارب نمیشد ستم ۸۴۵ بر مظفر لطف بنمایی چنین</p>	
---	---	--

دعای ۳۸

الدعاء ۳۸: دعاوه علیه السلام فی الاعتذار

(دعای سی و هشتم): دعای آن حضرت در عذرخواهی از تزییع

حقوق

<p>کمک دائم ز درگه خواسته باشم من او را یاریش ننموده باشم که من شکرش بجا ناورده باشم که وقتی عذر آن نگذاشته باشم که نی ترجیح کارش داده باشم شود آنرا ادا ننموده باشم که من آنرا چو نی پوشانده باشم کز آن دوری همی ناکرده باشم که شد عذری ندامت داشته باشم به بخشی درگهت پیوسته باشم شدم من توبه‌ای ننموده باشم درودی را که من بفرسته باشم هزاران شکر باید کرده باشم</p>	<p>خدا عذری بدرگه داشته باشم فتد مظلوم اگر پیشم بلائی شده باشد بمن هر وقت احسان اگر هر وقت عذری خواهد او را ۸۵۰ کند آن تنگدستی خواهش از من حقوق مؤمنی بر ذمه من اگر ظاهر شده عیبی ز مؤمن که پیش آید مرا چون هر گناهی خدایا جمله آنها اشاره ۸۵۵ نظایر آنچه بگذشته مر او را پشیمانم بلغزشها دچاری وظیفه این بود بر آل احمد «مظفر» را کمک کردی خدایا</p>
---	---

دعای ۳۹

الدعاء ۳۹: دعاوه عليه السلام في طلب العفو

(دعای سی و نهم): دعای آنحضرت در طلب عفو و رحمت الهی

صلوا

۸۶۰

دعای ۳۹

<p>نبخشی گز مرا باشد چه مشکل که بخشنده توئی هم کان اُفت عقوبت را نمیباشد سزاوار ز درگه نی کنی آنرا تو نومید «مظفر» را نما مشمول رحمت</p>	<p>خدایا رحمتت را کن تو شامل رها کن خشم را با دست رأفت کسی که رحمت تو کرده اقرار الهی آن کسی که دارد امید نمودی کل عالم را تو خلقت</p>	۸۷۵
--	--	-----

دعای ۴۰

الدعاء ۴۰: دعاوه عليه السلام عند ذكر الموت

(دعای چهلم): دعای آن حضرت هنگام شنیدن مرگ کسی و یا اگر خود

متذکر می شد

<p>که دینش بر همه ادیان سرمد سلامی بر همه اولاد او باد درستکاری نما تا هر چه دانی تو پاکیزه نمائی خُلق خُومان بسا یکساعت دیگر نباشیم ز شرّ اهرمن یا کُندی کار بدرگاه ربوبی ده پناهم کمک بنما بما خود آنچه خواهی</p>	<p>رسول آخری باشد محمد (ص) چو اسلام است ما را می کند شاد وفائی نی بود دنیای فانی خداوندا تمام آرزومان شبان روزها ما در تلاشیم خدا ما را همیشه در امان دار هدایت کن خدایا هر چه خواهیم همه باید رود خواهی نخواهی</p>	<p>۸۸۰ ۸۸۵</p>
--	--	---

دعای ۴۰

نمایم من کمک چه بهتر از آن مرا خوشبخت بنمائی ز دیدار که خوشبختی شود هر دو سرامان سرافکنده نکن در میهمانی عطا فرما همی خود کن هدایت هدایت کن الهی خود بمیران عطا پاداش بنمائی تو برتر	چه خوش دارم خداوندا به خویشان کریمما قادرا ای حیّ دادار ۸۹۰ چو باشد مایهٔ آنسی برامان اگر ما را به مهمانی بخوانی کلیدی را که از درهای رحمت مرا در حال توبه از گناهان ز درگاهت الهی بر «مظفر»
--	--

دعای ۴۱

الدعاء ۴۱: دعاوه علیه السلام فی طلب الستر و الوقایه

(دعای چهل و یکم): دعای آن حضرت در طلب پرده‌پوشی

به غیر از تو نمیباشد خدائی ستوده خلق مییاشد محمد (ص) ز مسندهای خود بنما عنایت نصییم کن منم از تشنه کامان بجرم کیفرم بر تشنه ماندن برایم جای ده در باغ رضوان مکن سرّم تو فاش و در امان دار	۸۹۵ خداوندا کریم و کبریائی سلام ما شود بر آل احمد عطایم کن خداوندا کرامت ز شوق رحمتت از جویباران تو محروم مکن از خود به راندن تو نومیدم مکن یارب مرنجان ۹۰۰ مگیری خُردهای ما را برفتار
---	--

دعای ۴۱

مسنجی ای خدا باشد ملامت اگر ننگی برایم شد بیوشان که همچون مغفرت یا اینکه عزت قرارم ده گروه رستگاران به اصحاب یمین خود درآور	عَمَلَم را به میزان عدالت مرا عیبی شود در چشم همگان خداوندا تو می بخشی شرافت دعایم مستجاب خود بگردان مظفر را بلطف خویش بگذر	۹۰۵
---	---	-----

دعای ۴۲

الدعاء ۴۲: دعاوه علیه السلام عند ختم القرآن

(دعای چهل و دوم): دعای آن حضرت در هنگام ختم قرآن

چونام دیگرش باشد که فرقان که من آغاز کردم بر تلاوت تو نازل کرده ای آنرا ز رأفت یکی از دیگری باشد که بهتر ز احکام شرایع نیست خالی بیانش کرده ای بر وجه احسن به جمع انبیاء آنست سرمد کند تاریک را روشن به انسان فروغ روشنی را نیست خاموش	خداوندا کتابت هست قرآن مرا یاری نمودی بر کتابت کتابیکه بود نور هدایت سخن ها گفته ای باشد که برتر جدا کردی حرامت از حلالی که هر چیزی بود واضح و روشن تو خود نازل نمودی بر محمد قرارش داده ای نوریکه بر آن که هر کس از سر صدقی نهد گوش	۹۱۰ ۹۱۵
--	--	------------

دعای ۴۲

<p>برای ناظران باشد کفایت زبانم حفظ بنمودی ز لُکنت به کل خاندانش هم نصیب است که آیاتش نه افزونست نی کم فراراه هدایت پرتو آن عَلم افراشته بر اوج احمد خدا ویرا چو بنموده کرامت مرا خود دور بنمائی ز شیطان که گوشم را چنان باطل شنفتن همه اعمال ما باشد که غفلت تحمل کوه را هم ناتوان است بمن آسان بکن جان کَنَدَنَم را خورد تیر اجل بر دست و بر بال عمل گر بد بود شد خانمانسوز کمک بنما مرا هرگز ننالم ترحم کن به ما با عز و جاهت ستمکاران خورد آنروز حسرت کمک بنما تو یارب مسلمین را</p>	<p>نباشد منحرف حق از عدالت خدا قرآن را کردم قرائت محمد خود که قرآن را خطیب است چو قرآن خود دژی باشد که محکم ۹۲۰ که آن چون مشعلی باشد فروزان توسط همان قرآن سرمد عروجی کرده بر جای سلامت الهی مونسَم کن خود بقرآن زبانم را همی بیهوده گفتن ۹۲۵ کمک بنما خداما را ز فکرت چو قرآن را عجائب داستان است رسد مرگی اگر نالیدنم را فرشته مرگ میآید در آنحال چو وقتی دفن میگردد در آنروز ۹۳۰ خدایا رحم بنمائی بحالم قیامت گر شود در پیشگاهت نجاتم بخش یا رب در قیامت سپید روی گردان مؤمنین را</p>
---	---

دعای ۴۲

<p>درودم بر محمد بنده تو که آن در هر زمانی یا که هر دم بنزد تو خدایا روز محشر شفاعتش همی باشد که مبرم و همچون نام اسماء عظیمت تو سیرابم بکن از آب کوثر و را دانم که بالا هست جائی (مظفر) را خداوندا کنی شاد</p>	<p>خدایا حرمت پیغمبر تو پیامت را رسانیده به مردم مقام قرب چون دارد پیامبر بنای دین او را کن تو محکم الهی حق قرآن کریمت بحق حرمت آل پیامبر پیامبر را عطا فرما جزائی درود رحمتت یا رب بر او باد</p> <p>۹۳۵</p> <p>۹۴۰</p>
--	--

دعای ۴۳

الدعاء ۴۳: دعاوه عليه السلام اذا ظر الى الهلال

دعای چهل و سوم: دعای آن حضرت هنگام رؤیت هلال

<p>همیشه در گذرگاه سریع است که هم تاریک روشن را به تقدیر همه از پرتو نورش به ایمن علامت قدرتی را از نهانها که آن بر نه فلک باشد که شامل چو دائم درب را چون حلقه کوب است</p>	<p>خدا مخلوق را دانم مطیع است فلک را تو بچرخانی ز تدبیر کنی تاریکی شب را به روشن دهد فرمان نشانی از نشانها چو (مه) را گه به نقص و گاه کامل گهی باشد طلوع و گه غروب است</p> <p>۹۴۵</p>
--	--

دعای ۴۳

<p>مطیع وی شتابان نی پس و پیش بدقت گوئیا باشد به زنجیر به ماه بعد مییاشد سرانجام زمامدار و علیم و هم رحیم است رسول خاتمش باشد محمد (ص) بحق سوره یاسین تبارک ز زشتیها برون آیی سلامت در آن نحسی نباشد یا که دشوار وفور نعمتی باشد فراوان گناهان همه بخشوده باشد سعادت‌مندان هم کرده طاعت که توفیقم بده بر شکر نعمت لباس عافیت بر ما بیوشان فزون کن رحمتت را بر (مظفر)</p>	<p>مسخر کرده عالم را که بر خویش شگفت‌انگیز مییاشد به تدبیر ۹۵۰ از این (مه) چون کلیدی داده انجام بخواهیم از خدائیکه کریم است درود آن خدا بر آل احمد خدا بنمایدت ماه مبارک که ماه ایمنی باشد ز آفت ۹۵۵ چو خوش طالع شوی و همچو پُربار که ماه ایمنی باشی و ایمان مسلمانان سلامت بوده باشد در این مه آن کسی کرده عبادت کمک بنما خداوندا ز رحمت ۹۶۰ تو یارب لطف بنمائی ز احسان خداوندا توئی هم یار و یاور</p>
---	--

دعای ۴۴

الدعاء ۴۴: دعاوه علیه السلام لدخول شهر رمضان

(دعای چهل و چهارم): دعای آن حضرت هنگام فرا رسیدن ماه مبارک

رمضان

<p>لباس عافیت بر ما بیاراست وظایف بر همه باشد نیایش تن سالم عطا کرده برامان چو روح جسم را پرورده باشیم بر آئین خودش (اسلام) بوده نهایت را (بهشت و باغ رضوان) رمضان است آن ماه مبارک چو قرآنی بخوانیم و نیایش که هم منعی بود نوشیدنی‌ها نه پیش و نی پسی باشد زمانی که باشد آن هزاران ماه بهتر دعایش بر کسی سجاده هشته همی دست و همچون گوشهامان</p>	<p>ستایش همچو مخصوص خدا راست که بنمائیم ما آنرا ستایش خداوندیکه دارد فضل احسان که ما باید سپاسی کرده باشیم خدا ما را به دینی برگزیده به راهی رهنمائی کرده است آن یکی از ماهها باشد تبارک که ماه روزه باشد آزمایش در این (مه) منع باشد خوردنیها مشخص باشد (افطارش) که دانی ز شبهایش یکی باشد شب قدر در آن شبها که میآید فرشته خدا یاری بکن بر چشمهامان</p>
---	---

دعای ۴۴

<p>بجای آریم نی باشد بهانه بخوانم آن نمازی را بدقت مراتب بهتری باشد عبادت شود بهتر خضوع و هم سجودش مرا بر دیدنش بنما موفّق</p>	<p>در این (مه) با نماز پنجگانه الهی خود مرا بنما حفاظت که کامل باشد و آن با طهارت قرائت بهتری باشد رکوئش صلّه ارحام چون باشد که بر حق</p>	<p>۹۷۵</p>
<p>زکات مال را برفقر دادن که دشمن را همی باشد مدارا چنان آن دشمنیکه با تو بوده چو قلبم را ز کینه می خراشد کمک بنما خدا بر سینه هامان</p>	<p>به همسایه همیشه نیک کردن محبّت دوست را باید که ما را خدایا خواب از چشمم ربوده که هرگز دوستی با آن نباشد الهی مرحمی نه قلبهامان</p>	<p>۹۸۰</p>
<p>ترا کرده ستایش هم در این راه عبادت میکند آن بندگانت چو در دین تو نی باشد که تردید حفاظت کن مرا از شر شیطان بود آن دوزخی همواره برزخ</p>	<p>قسم باشد ترا یا رب در این ماه بحق حرمت پیغمبرانت خداوندا تو میباشی که توحید نگاهم دار یارب از گناهان حفاظت کن مرا یا رب ز دوزخ</p>	<p>۹۸۵</p>
<p>طریق رحمتت خود بازگردان تو رحمت کن خدایا بر (مظفر)</p>	<p>چنانچه منحرف باشیم در آن بحق حرمت آل پیامبر</p>	<p>۹۹۰</p>

دعای ۴۵

آن درودی را که بر آن میرسد	تفع آن هم عاید ماها شود
ای خداوندا تو میباشی کریم	چون خطابخشی و هم باشی رحیم
لطف تو باشد همیشه بر جهان	شامل حال (مظفر) باشد آن

دعای ۴۶

الدعاء، ۴۶ دعاوه علیه السلام للعیدین والجمعه

(دعای چهل و ششم): دعای آنحضرت پس از نماز عید فطر و آضحی و

جمعه

۱۰۴۵	الهی تو مرا بنما ترحم خداوندا تو همواره قدیری اگر اهل نیازی را شود کار همه در پیشگاه اعظم تست که چون لبریز گشته جام بخشش جلال بی حد تو در نهایت	بدرگاهت نمی باشد تظلم غریبان را بدرگه می پذیری تو نومیدش نسازی نی کنی خوار که جبریل امین هم محرم تست شده آن کل عالم را درخشش زبان قاصر بود بر وصف جاهت
۱۰۵۰	جلال أمجدت باشد که اعلا مقامت افخم و هم عزّ جاهت اگر قحطی بود یا خشکسالی	مراتب بر فراز و هر چه والا همه خاضع بُود در پیشگاهت همه مردم شود حالی به حالی

دعای ۴۶

<p>مگر آنان ز تو روزی بخواهند در رحمت به سائل میکنی باز کسی از درگه تو نیست نومید به بدرفتار می بخشی تو احسان متنبّه شود شاید که آنها و یا باشد یکی اهل شقاوت به آنان تا کنی آنگونه رفتار که سنجیده شود از راه حکمت گنہکاران همی باشد که تهدید چو روزی میدهی تو هم نعیمی بدرگاه تو بنماید نیایش مرا رحمی نما آیم به کویت مرا منزل دهی در باغ رضوان</p>	<p>که در قحطی همه در نصف راهند تو آگه میشوی بر سیر و هم راز به فضل رحمتت چون باشد امید گنہکاران را گسترده ای خوان تو یارب مهلتی دادی به آنها که شاید در یکی باشد سعادت مشخص میشود آنوقت در کار چو برهانی شود یا اینکه حجّت که ارشادی بود از راه تمهید خداوندا تو والای عظیمی همه باید ترا باشد ستایش پس از مرگم چو باز آیم به سویت (مظفر) آرزویش هست در آن</p>	<p>۱۰۵۵</p> <p>۱۰۶۰</p> <p>۱۰۶۵</p>
--	--	-------------------------------------

دعای ۴۷

الدعاء ۴۷: دعاوه عليه السلام لعرفه

(دعای چهل و هفتم): دعای آن حضرت در روز عرفه

جهان را خود که از مبدأ بیاراست	ستایش را که مخصوص خدا راست
--------------------------------	----------------------------

دعای ۴۷

توانایی بده خود یاریم کن مکن نکن تو شرمسارم از لقاییت که سُکرت را بجا آرم همیشه قرارم ده ستایش بندگی را که من تسلیم فرمان تو باشم که پاکیزه نمایم بندگی را میان بندگان کن سرافراز مرا در پیش دشمن نی شماتت تو با فضل کرم کن پرده پوشم مرا در آخرت رسوا مسازی ز اتمام حجّت تو بیمناکم مناجاتست و اُنس و هم عبادت بیامرزی مرا باشد خطائی چو در گرداب میماند که نادان که ما را جزء خوبانت حساب آر تو در جنّت نمایی کامیابم موفق تو به گر باشد کییره خودم را در ردیف صالحان کن	پسندیده سخن همکاریم کن بحول قوه نامنتهاییت مرا دقت بود در کار پیشه چو هنگام خطر درماندگی را معاند من بدرگاهت نباشم (حیاه طیّبه) ده زندگی را ترا خلوت کنم تو خاشعم ساز پناهم ده خدا از رنج و ذلت گناهانم بود سنگین به دوشم در این دنیا مرا بر تو نیازی توئی خالق ولیکن من چو خاکم شبم را زنده داری با تو خلوت تقاضا میکنم از تو عطائی رهایم تو نکن در آب طغیان الهی راه ما را کن تو هموار کمک بنما بسویت راه یابم گناهانم اگر باشد صغیره دلّم را مهربان بر مؤمنان کن	۱۱۰۵ ۱۱۱۰ ۱۱۱۵ ۱۱۲۰
---	--	--

دعای ۴۸

<p>و برخی هم بود مشتاق رحمت چو کار خلق میباشد مناجات ترا حاجت روا کردن چه آسان تو خالق بر همه عالم به موجود بدرگاہت کند عالم ستایش رئوف مهربان ذوالجلالی پدید آرنده هفت آسمانی دهی توفیق طاعت مسلمین را بپوشانی تن آنها تو خلعت برایم لطف بنمایی عطایا که بخشش بر تو میباشد چه آسان که بر عفو تو من امیدوارم که عفو کن توئی دریای رحمت قرارم تو دهی راه امامان دهی ما را ز لطف خویش مهلت تو رحمت کن خدایا بر «مظفر»</p>	<p>۱۱۳۵ چو برخی را کنی لطف و عنایت عنایت میکنی بر خلق حاجات مرا حاجت بود در کل دوران تو تنها پادشاه ملک ذیجود برایت حمد میباشد نیایش ۱۱۴۰ که مخصوص تو میباشد کمالی خداوند زمین و هم زمانی هدایت میکنی تو مؤمنین را براه نیک بنمائی هدایت ز تو درخواست میدارم خدایا ۱۱۴۵ مرا بسیار میباشد گناهان در این عید ایخدا من شرمسارم نماز عید میباشد چو نعمت خداوندا همیشه کل دوران سزای ما اگر باشد عقوبت ۱۱۵۰ بحق حرمت مولای قنبر</p>
--	---

دعای ۴۹

الدعاء ۴۹: دعاوه علیه السلام فی دفع کیدالاعدا

(دعای چهل و نهم): دعای آن حضرت در دفع کید و مکر دشمنان

<p>تو بنمودی مرا دائم هدایت که بر لَهو لَعَب پرداختم من گناهانش نمائی پرده پوشی که خود را من فکندم پرتگاهی درافتادم به نابودی همیشه چو میدانم که آن زهریست و مهلک بغیر از راه تو باشد که دشوار مرا هم تنگ میباشد که صحنه زند ما را به تیر جانفزایم مرا زیر نظر دارد همشیه رساند تا که بر جسم گزندی برایم شربت مرگی چشانند مگر از عهده آن تو در آئی که قلب من بود از دست وی خون به پشتیبانیم تو کردی آغاز</p>	<p>خداوندا توئی دریای رحمت ولی بر خواهش دل ساختم من اگر باشد کسی را عیش نوشی مرا شاید که میباشد گناهی ۱۱۵۵ چو فهمیدم مرا بد بود پیشه همه از این (مَعاصی و مَهَالِک) توئی ملجاء برای هر گنهکار عدو بنموده شمشیرش برهنه که تیغش تیز بنموده برایم ۱۱۶۰ زند شمشیر تیزش را به ریشه که آن تصمیم بگرفته که چندی بمن آسیب هنگفتی رساند نمیرسد خدا فکرم بجائی کمین کرده مرا آن دشمن دون ۱۱۶۵ خداوندا تو میباشی سبب ساز</p>	<p></p>
--	---	---------

دعای ۴۹

<p>مرا پیروز بنمودی بر آن زود سر انگشت خودش را هم به رویش نمودی دفع کید و پيله‌اش را کمینگاهش همیشه خورده بر هم مرا هم نی پس و نی پیش راهی که با مغزش فرو افتاد (گودال) که بدگوئی برایم یا که تهمت که با نیش زبان یا هر چه بودی به مظلومان ز تو آید حمایت تو فریادم رسی ای حی دادار تو نازل کرده‌ای از ابر رحمت همیشه رحم بنمائی بدرویش به هر چیزی تومیباشی توانا توئی قادر پناهم ده پناهی برای خلق میباید که سرمد خودت حفظم بگردان از عقوبت ز درگاہت همیشه دارد امید</p>	<p>که تیرش در کمان بر سوی من بود کمان را بازگرداندی به سویش زدی بر هم تو (مکر و حیلہ‌اش) را سپاهش گشته پاشیده در آن دم ۱۱۷۰ (سر را هم) همیشه کنده چاهی بمن میکرد چاپلوسی در آنحال برایم طعنہ‌ها میزد بشدّت بمن بدخواه میکرده حسودی ترا خواندم خداوندا بسرعت ۱۱۷۵ ضعیفان را تو میباشی مددکار مرا باران میباید که نعمت خداوندا به حسن ذاتی خویش تو میباشی همیشه حی دانا بغیر از راه تو نبود که راهی ۱۱۸۰ الهی حرمت آل محمد مرا یارب بلطف آن ربوبت خداوندا (مظفر) نیست نومید</p>
---	---

دعای ۵۱

الدعاء ۵۱: دعاوه عليه السلام فى التضرع و الإستكانه

(دعای پنجاه و یکم): دعای آن حضرت در مقام تضرع به درگاه الهی

کمک از تو شود من فائق آیم زبانم قاصر است تعریف بر آن خودت روشن نما هر دو سرایم همه افعال من میگشت نابود ز درگاہت رسد بر من چوسودی که راهم را همیشه کردی هموار مرا دائم تو بنمودی محبت بمن دائم تو بودی یار و غمخوار هماره در رکوع و در نیایش مرا امید میباشد به احسان تو عیبش را نمائی پرده پوشی گذاری یوق خواری را مسلم همه گردنکشان هم خوفناکند گنہکاران بلرزد از عقابت که نابودم نموده همچو بیزار	ترا یارب همیشه می‌ستایم مرا آنقدر یارب کردی احسان ۱۲۰۰ بسا نیکو نمودی تو برایم اگر چه لطف تو بر من نمی‌بود بسا دربارہام احسان نمودی تو نعمت داده‌ای در حد سرشار دعایم را خدا کردی اجابت ۱۲۰۵ که حقم را ستاندی از ستمکار بدرگاہت نمایم من ستایش پسندیده توئی در کل دوران کسی گر عیب دارد عیش‌نوشی چنان برگردن شاهان عالم ۱۲۱۰ همه آنان ز قہرت بیمناکند گریزی نی توان کرد از عذابت گناہانم مرا کرده گرفتار
--	--

دعای ۵۱

به سوی حضرتت آرم پناهی تو میباشی همیشه کان رحمت چو درمانده همی باشد هراسان ز ضعف ناتوانی بر شکایت و یا در کارها شد چون چندی به تو رازم همشیه می سپارم مرا (لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ) است پیشه کریم هستی و همچون عزّ جاهی (مظفر) را کنی مشمول رحمت	مرا یارب اگر باشد گناهی اَمَانَمْ دِه خداوندا ز لطف ۱۲۱۵ که مسکین دائماً باشد که خواهان به درگه آمدم از بیم عُسرت اگرچه کاهلی باشد و کُنْدی خدا هر حاجتی یا هر چه دارم ز تو فرمان باشد گر همیشه مرا از غیر تو نبود پناهی ۱۲۲۰ خداوندا تو بنمائی عنایت
--	---

دعای ۵۲

الدعاء ۵۲: عليه السلام في الألاح

(دعای پنجاه و دوم): دعای آن حضرت در مقام الحاح و اصرار در طلب

حاجت از درگاه الهی

خالقی باشی برای انس و جان لاوَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ فِي السَّمَاءِ وی رحیم و راحم بنده نواز شیر مادر را تو خود پرورده‌ای	ای خداوند زمین و آسمان (كُلُّ شَيْءٍ أَرْض) را داند خدا ای خداوند کریم کارساز ۱۲۲۵ کل عالم را تو خلقت کرده‌ای
--	--

دعای ۵۲

قطره قطره بر دهانش میچکد در اطاعت بر تو می‌بندد کمر کی توان رازی ز تو پنهان شود بر حساب آن تو بهتر میرسی غیر راه تو نمیباشد نجات ریشه‌اش از بیخ از بن میکند پنجتن باشد همیشه اهل جود غیر تو نبود مرا فریادرس حضرت باشد مقام و عزّجاه بر گناه خویش باید اعتراف بر «مظفر» باغ رضوان کن نصیب	شیر را اطفال از پستان مکد قدرتت را هر کسی دارد نظر کل ما فیها ز تو روشن شود قدرتت انکار بنماید کسی غیر ملک تو نمیباشد ثبات هر که غیر تو پرستش میکند بر محمد آل او باشد درود ای خدا ما را امیدی نی به کس من به درگاه تو میآرم پناه گر کسی باشد گناهانش گزاف تو کرامت کن برایم ای حبیب	۱۲۳۰ ۱۲۳۵
---	--	--

دعای ۵۳

الدعاء ۵۳: دعاوه علیه‌السلام فی التذلل لله عزوجل

(دعای پنجاه و سوم): دعای آن حضرت در مقام تذلل و خضوع

هر کجا باشم مرا باشی تویار بر گنہکاران بود شرمندگی هر کسی ناید بدرگه شد ذلیل	ای خداوند کریم کردگار مر وظایف را که باشد بندگی حُجَّتی دارم خدایا شد دلیل	
--	--	--

دعای ۵۳

چون نفس ناچار میآید برون ظلمها کرده برای اولیاء من شدم بیچاره و پر سوخته تو کمک بنما بحال زار من در تعادل حفظ فرما بینشم راست گویم من نمی گویم گزاف بارالها بر قصاص آمادهام عالم برزخ ترحم کن به من گوئیا در حلق می باشد رسن تو مرا از هر جهت غمخوار باش همنشین گردان مرا با دوستان تا دهی مأوا جوار رحمتت	دائماً رنجور میباشد درون همچو بی باکی نموده اشقیاء ظالمان چشم حقارت دوخته ای خداوندا تو باشی یار من خود ترحم کن خدا بر لغزشم ۱۲۴۵ مینمایم بر خطایم اعتراف من خودم با روح قلب سادهام بعد از مرگم که ای مولای من آن زمان در قبر میپوسد بدن بارالها روز محشر یار باش ۱۲۵۰ خود مقرر کن مرا با عاشقان این «مظفر» آمده بر درگهت
---	--

دعای ۵۴

الدعاء ۵۴: دعاوه علیه السلام فی استکشاف الهموم

(دعای پنجاه و چهارم): دعای آنحضرت در بر طرف شدن هم و غم

همچو میباشد که رَحْمَنِ الرَّحِيمِ ای وجود آرنده جنبندگان	ای خدا نامت که میباشد کریم روح می بخشی برای بندگان
--	---

دعای ۵۴

<p>کل عالم را تو سازش می‌کنی لاشریک هستی و هم یکتا توئی همجوار همواره گل باشد به خار الکرسی و توحید و فلق چون مرا بخشیده‌ای تو جسم و جان همچنین در موقع درماندگی عفو فرما صاحب قدرت توئی کن در این دنیای فانی بی‌نیاز روزیم کن ایخدا در آن سرا عفو کن یارب تو باشی یار ما من پناه آرم بسوی سَرمدی نی کنی بندی زان بندم جدا رهنمایم کن بسوی اولیاء بر تو میباید بامید رجاء راه احمد میشود راه خدا اول مطلب و هم آخر کلام پیش درگاهت (مظفر) در خشوع</p>	<p>روزیم را تو گشایش می‌کنی خود (عَنی بالذات) بی همتا توئی از بلیّه خود مرا محفوظ دار در دعا اینجا رسی (بر خوان علق) شکر بر توای خدای مهربان قوتی بخشی مرا در زندگی صاحب شأن و هم شوکت توئی ای خداوندا مرا باشد نیاز بر لقاییت شوق می‌باشد مرا ثبت کن در نامه اعمال ما آنچه در اعمال ما، باشد بدی تو مجازاتم نفرما ای خدا من حقیرم در حضور کبریا قلب من یارب همیشه در خفا سید سالار باشد مصطفی بر محمد آل او باشد سلام ای خدا توفیق فرمائی خشوع</p>	<p>۱۲۵۵</p> <p>۱۲۶۰</p> <p>۱۲۶۵</p> <p>۱۲۷۰</p>
---	---	---

المناجات الثالثة

مناجات الخائفين

(مناجات سوم): مناجات هراسناکان

<p>خودت یارب کمک بنما به کارم گناهان را نمیبودی جوابم اگر بر درگه تو نیست جائی برایم دائماً رنج است و پرخاش که کارم پر مشقت هست خواری بیاد سخت طوفانم نمیداد (مقام قُرب من بی) در جوارت که قلبم میگرفت آرام ایکاش همیشه درگهت کرده عبادت که مَمْلُوّ عشق میباشد به توحید هزاران آرزو امیدواری مرا بر آتش قهرت مسوزان مرا رسوا نکن تو در قیامت به جبّاران نماید عرصه را تنگ گریبان گنهکاران بزنجیر نکوکاران رود بر سوی رضوان مرا از درگه تو نیست نومید</p>	<p>الهی درگهت امیدوارم اگر یارب تو میدادی عذابم و یا از خود مرا دورم نمائی ۱۳۰۵ چنین احوال را دانستمی کاش در این دوران نباشد رستگاری مرا ایکاش آن مادر نمی زاد (چه خوش بی) میشدم اهل سعادت چو میخوردم من از آن جام ایکاش ۱۳۱۰ الهی آن کسانی کرده طاعت به تو باشد مرا چون عشق امید دو چشمم در عبادت کرده زاری چو دوست من توئی در عهد پیمان نجاتم ده توئی دریای رحمت ۱۳۱۵ عذاب آتش و رسوائی و ننگ هراس دلهره باشد فراگیر دگرگون میشود احوال انسان خداوندا «مظفر» دارد امید</p>
---	--

المناجات رابعه

مناجات الراجين

مناجات چهارم: مناجات خواهش کنندگان

بر همه تو میدهی مال و منال یا خجل باشد و یا شرمنده‌ای مینمائی پرده‌پوشی از گُنه روزگار آن نمیباشد تباه بر امید بخششت از راه جود یکدم از راحت نمیباشم جدا بر نمیگردم من از درگاه تو هم در این دنیا و هم در آن سرا چون همه روزی خورد از خوان تو خود همیشه لطف میداری مرا آرزومندم تو مأیوسم مکن تو مکن مأیوس میباشد نوید از مصیبت‌های دنیا ای کریم عفو کن یارب اگر باشد خطا	ای خدا از درگهت دارم سئوال ۱۳۲۰ گر برآرد رو بدرگه بنده‌ای آنکه بی راهه همیشه رفته ره گر کسی بر درگهت آرد پناه آنکه میآید بدرگاهت فرود چون امید من تو میباشی خدا ۱۳۲۵ ره نمیرم من بغیر از راه تو جز تو مولائی نمیباشد مرا حکم نئی باشد بجز فرمان تو کارم استغفار میباشد ترا ای خداوندا تو محرومم مکن ۱۳۳۰ بارالها چون مرا باشد امید تو کمک فرما برایم ای رحیم بر «مظفر» ای خدا بنما عطا
--	---

المناجات الخامسة

مناجات الراغبين

مناجات پنجم: مناجات راغبان و مشتاقان حق

<p>زاد توشه چون مرا باشد نیاز بر تو بنمایم توکل در حضر جُرم من بیسار (باشی یار من) لطف بنمائی که میباشد نوید مهربان هستی تو میباشی رؤف هم مقام قُرب و همچون کوی تو کن عنایت از نسیم رحمتت میل دارم کوی تو گیرم قرار رحمتت را ایخدا از من مگیر خود مرا منما که از نعمت جدا مَر وِرا باران رحمت لازم است در حریم حضرتت باشد مُرید چون توئی دریای رحمت ای رحیم</p>	<p>ای خداوندا مرا آسوده ساز توشه ام چون کم بود اندر سفر ۱۳۳۵ بر تو خوشبینم خدا بسیار من چون مرا بر درگهت باشد امید بارالها چون تو میباشی عطوف آرزومندم برآیم سوی تو لطف کن یارب ز جود شوکتت ۱۳۴۰ از بدیها من چو بنمایم فرار من همی خود پاک بنمایم ضمیر از گناهانم تو بگذر ای خدا هر کسی بر آستانت عازم است هر کسی را چون عبادت شد مزید ۱۳۴۵ بر «مظفر» لطف فرما ای کریم</p>
---	--

المناجات السادسة

مناجات الشاکرین

مناجات ششم: مناجات شکرگزاران

نعمتت افزون میباشد بمن هم ز نعمتها و همچون ذکر تو نعمتت یارب که باشد بی شمار ناتوان باشم همیشه ناتوان عمر خود را بیخودی کردم تباه خود نداسته چو گشتم من کباب چون به خودسازی که نی پرداختم در همه احوال نومیدم مکن بایدستی شکر بنمایم ترا بر نهادی تاج عزت بر سرم نعمتت حدی است بسیار ای کریم مر زبان را بر شمارش کی توان گر مرا عفو مکنی باشد امید	بارالها ای کریم ذوالمنن ای خدا غافل شدم از شکر تو خالق عالم توئی ای کردگار من ز توصیفت نمایم گریبان ۱۳۵۰ بارالها چو تو میباشی گواه اول عمرم که در عهد شباب عمر را تزییع بر خود ساختم ای خداوندا تو مأیوسم مکن چون هماره لطف بنمودی مرا ۱۳۵۵ لطف احسانیکه بنمودی برم من گنهارم تو میباشی رحیم کی توانم شکر بنمایم بر آن بارالها ده «مظفر» را نوید
--	--

المناجات السابعة

مناجات المطيعين

مناجات هفتم: مناجات اهل طاعت

مَعْصِيَتِ رَا خُودِ زِ مَا هَا دُورِ سَا زِ خُودِ گُنا هَا نِ رَا زِ مَا هَا دُورِ كُنِ گَرِ خُودِ تِ خُشْنُودِ مِي بَاشِي كِزُودِ دِه مِيانِ خُلدِ وَ جَنَّتِ مَنزَلِمِ قَلْبِهَا تَارِيكِ وَ ظَلْمَانِي شُودِ مِي زِنْدِ دَائِمِ كِ دُورْتِهَا بَرُونِ چُونِ تَرَا بَاشِدِ هَمِي شِه اِي نِ صَفَاتِ اِخْتِيَارِ مَا هَمِي شِه بَرِ چِشَانِ اِخْتِيَارِ مَا هَمِي شِه دِه قَرَارِ جِزِ كَمَكِ نَتُوانِ بَرَا يِمِ كُويِ تُو بَا قِيَا تَسْتِ وَ هَمِ چُونِ صَالِحَاتِ نِي كُنِي مَا رَا زِ دِرْگَا هَتِ جِدا	اِي خُدا مَا رَا كِه مِي بَاشِدِ نِيَا زِ ۱۳۶۰ قَلْبِ مَا رَا اِي خُدا پَرِنُورِ كُنِ مِي شُودِ مَا رَا زِ دِرْگِه آر زُودِ خُودِ بَصِي رْتِ دِه بَچِشْمِ وَ هَمِ دَلْمِ شُكِ تَرِ دِي دِي كِه دِرِ بَا طَلِ بُودِ گَرِ فِسا دِ فِتْنِه اِي بَاشِدِ دُرُونِ ۱۳۶۵ كَشْتِي مَا رَا تُو يَارِبِ دِه نِجَاتِ آن مَقَامِ قُربِ رَا يَارِبِ چِنَانِ رَا هِ خُودِ بَرِ مَا وَ هَمِ خَرْدِ وَ كِبَارِ گَرِ بَخُوا هَمِ مَنِ بَرَا يِمِ سُو يِ تُو رَا هِ تُو هَمُوارِه مِي بَاشِدِ بَرَاتِ ۱۳۷۰ تُو «مَظْفَرِ» رَا كَمَكِ كُنِ اِي خُدا
---	--

المناجات التاسعه

مناجات المحبّين

مناجات نهم: مناجات محبّان خداوند

بغير از لطف تو جائی ندیده به محرومین میبشد که دولت باین بنده محبّت کن خدایا که آن مشتاق بوده بر لقايت پناهش داده‌ای هم بوده یار بآن خود داده امیدواری در آنچه نزد تو باشد که حاجات چو نکرت را بر آن پرورده‌ای تو هماره چون مرا خوشدل بر آنی مثال شب‌بنمی بر روی ژاله که پیشانی خود بر خاک سایند بدل غصّه همیشه هست محنت نشاط‌انگیز میبشد روان را مرا از درگه تو نیست نومید وِرا از سالکان خود بگردان	خدا آنکس که شیرینی چشیده مقام قُرب تو اُنس است و اُلفت دعایم را اجابت کن خدایا کسانی را که بنمودی عنایت ۱۳۹۰ مر او را قسمتش کردی بیدار نصیبت کرده‌ای خود همچو کاری برایش برگزیدی خود مناجات که شکر را نصیبت کرده تو مقرر دار ما را از کسانی ۱۳۹۵ که اشک چشمها با آه ناله چو سعیشان بود بر درگه آیند که اشکشان روان از ترس هیبت قلوب عاشقان و عارفان را خدا ما را هماره باشد امید ۱۴۰۰ (مظفر) آرزو دارد بدوران
--	---

المناجات الحادیه العشر

مناجات المفتقرین

مناجات یازدهم: مناجات نیازمندان

<p>نمیباشم ز درگاه تو خسته کمک بنما خداوندا بحالم همیشه خوار میباشم که مسکین که دائم میشود مشکل گشایم نیازم را خدایا بر طرف ساز توئی فریادرس بر دادخواهان من آسوده دلم از دولت تو دوا بر شعله دیرینه ام کن که گشته شعله ور سوز و گدازم مرا آرامشی ده بی قرارم بمن آن کار بنماید کفایت کمک بنما خدایا بر ضعیفان چو دائم راغب در ماندگانی امیدی باش یارب خود برایم هماره چون توئی دریای رحمت</p>	<p>خداوندا اگر پایم شکسته که چیزی گر نبخشد التیام مرا در دل نمیباشد که تسکین خدا نام تو میباشد دوایم ۱۴۲۰ چو هر کاری بنامت باشد آغاز توئی ناصر برای بینوایان مرا امید نی جز رحمت تو تو یارب مرحمی بر سینه ام کن وصال تو که میباشد نیازم ۱۴۲۵ الهی غیر تو نبود که یارم ندارم آرزویی جز لقایت که حال میشود دائم پریشان خداوندا کمک بر بندگانی الهی تو کمک بنما بکارم ۱۴۳۰ «مظفر» ر اتو بنمائی کرامت</p>	<p></p>
--	---	---------

المناجات ثانیہ عشر

مناجات العارفین

مناجات دوازدهم: مناجات عارفان

<p>هماره کار من باشد نیایش چو عاجز کُنه ادراک جمالت که نتوان دید نورش چون کثیر است که گوئی نه فلک آنجاست دوآر به رؤیت مردمان قادر نگرده همگی منتظر گردد بیدار اگر بتوان که مییاشد سعادت نهال شوق در دل ریشه کرده محبت طعم خوش دارد و شیرین همه نوشند و از آن جام رحمت اگر بر دیده‌هاشان بود توفیق خَلْجَان کرده بر دلهای ایشان اگر چه گوی سبقت را ر بوده تعال الله اگر چه بود کردار نظر (با چشم دل) محبوب دیده و یا راستگوترین پیروانی اگر باشد به درگه با تو قربت «مظفر» را خودت خوشدل بگردان</p>	<p>خدا بر درگهت باشد ستایش که عقلم ناتوان است بر کمالت تو آنوار جمالت بی نظیر است تشعشع آنچنان باشد ز آنوار که فرمان از خدا صادر نگرده چه دلها را فرا بگرفته افکار بنوشیدن ز چشمه کرده سبقت محبت چون به دل اندیشه کرده چه لذت بخش مییاشد ز دیرین پناهی هست بستان محبت سر صدق و صفا بنموده تحقیق درون سینه‌ها چون بود جوشان شناخت معرفت پیدا نموده مُعَامِل با خدا با سود سرشار یقین آورده آنکه یا شنیده قرارم ده خدا از عارفانی گوارا میشود آن شهد شربت عنایت کن خدا در کل دوران</p>	<p>۱۴۳۵</p> <p>۱۴۴۰</p> <p>۱۴۴۵</p>
--	--	-------------------------------------

المناجات الثالثة عشر

مناجات الذاكرين

مناجات سیزدهم: مناجات اهل ذکر

<p>ز لطف تو همه باشد مرّقه مرا چون دائماً آن بود پیشه خداوندا ضعیفان را تو دریاب چو گوشم همچین است بر شنفتن عقول مختلف بر معرفتها تو روزی میدهی و خود کریمی</p>	<p>خداوندا تو میباشی منزّه که نامت بر زبان باشد همیشه كُجَابِنْدَه كُجَا و رَبِّ الْاَرْبَابِ که فهمم قاصر است بر ذکر گفتن بدل گر مطمئن گردد صفتها الهی خود عظیم هستی رحیمی</p>	<p>۱۴۵۰</p>
<p>هماره نیک بنمائی تو جایم خدا اُلفت تو می بخشی بجانها کمک بنما نهان و آشکارا به ما پاداش می باشد به میزان تو یارم باش هر جا یا مکانی مرا در دل همیشه باشد امید</p>	<p>خدا تسبیح و تقدیست نمایم چو گوناگون می باشد زبانها الهی تو همیشه قلب ما را چو ذکرت آشکارا یا که پنهان تو بخشیدی برایم جسم و جانی تو دائم امر فرمودی به توحید</p>	<p>۱۴۵۵ ۱۴۶۰</p>
<p>در این دنیا و آن دنیا کنم شاد و یا اینکه به شیطان فائق آید کمر را هم توگل بر تو بستیم امیدم هست خود باشی مرا یار «مظفر» را امیدی هست شادی</p>	<p>تو فرمودی کسی ما را کند یاد چنین گفתי کسی طاعت نماید خدا همواره در ذکر تو هستیم خدا قولت همیشه راست گفتار وفا کن آنچه بر ما وعده دادی</p>	<p>۱۴۶۵</p>

المناجات رابعه عشر

مناجات العتصمين

مناجات چهاردهم: مناجات معتصمين

بی پناهان را تو میباشی پناه مرضعيفان را تو میبخشی نجات یار می باشی تو بر افتادگان مرحمی هستی تو بر دلهای ریش هم دعاها را اجابت میکنی چون دعاشان را تو بنمائی قبول قوت دل را تو میبخشی اسیر از ازل یارب که پاینده توئی چون حصار محکمی باشی بما نی توانم رفت من جز راه تو تو کریم هستی و هم بنده نواز خود مرا گیری خودت تحت نظر همچنین از آن مقام شوکتت حفظ فرما از مصیبتهای خود من ز درگاهت نمیباشم جدا من نمیباشم جدا از راه تو خود کمک باشی برای سالکان بر (مظفر) هم شوی فریادرس	ای خداوند کریم عزّ و جاه بر زمین و آسمان هستی ثبات تو پناهی خود که بر بیچارگان بر پریشانها تو میباشی پریش زخم دلها را طبابت میکنی صبر دل باشی تو بر شخص عجول یار میباشی تو بر کل فقیر بیپناهانرا پناهنده توئی عزّت جاهی تو میباشی به ما مُلْتجا باشم که بر درگاه تو از کمک یارب تو محروم مساز از کس بَدکار میباید حذر ای خدا خواهم بحق عزّتت خود کمک بنما بمن از راه جود رِشْتَه ات حَبْلِ الْمَتِينُ است ایخدا میزنم چنگی که بر درگاه تو ایخدا ملجاء توئی بر خائفان بیکسان را ایخدا باشی تو کس	۱۴۷۰ ۱۴۷۵ ۱۴۸۰
--	--	----------------------

المناجات الخامسة عشر

مناجات الزاهدين

مناجات پانزدهم: مناجات اهل زهد

روح را يارب تو مي بخشي بجان چون در اين دنيا سکونت داده اي هم ز نيرنگش نمي باشد شكيب زير چنگالش همي نتوان فرار اي خدا ما را تو بنمائي مصون ليک آن رنج بلا و نکبت است زهد دنيا را نما بر ما نصيب در دل ما تخم نيكوئي بکار قلبه را روشني آيد کزو	اي خداوند رؤوف مهربان تو بما جانرا ز رحمت داده اي کنده است دنيا چه گودال فريب خُدعه و نيرنگ را داده قرار زرق و برقش فکر را کرده زبون ساکنانش را بظاهر شوکت است بارالها خود مرا باشي حبيب اي خداوندا مرا سالم بدار چون نهال دوستي باشد نکو	۱۴۸۵ ۱۴۹۰
---	---	--------------------------------------

«از قول شاعر»

<p>نام من باشد مظفر هم علی «مظفر علی» نی کنی قطع امیدم را از او نی کنی من را ز درگاهت جدا تو غفور هستی و هم باشی جلیل حرمت زهرا که میباشد بتول</p>	<p>من مطیع هستم به مولایم علی ای خدا دارد مظفر آرزو من به دل همواره میگویم خدا گرچه میباشد گناه من ثقیل حرمت احمد و اولاد رسول</p>	<p>۱۴۹۵</p>
<p>خود مرا بخشا مقام کن رفیع مر ضعیفان را تو میباشی معین نور ایزد را خدا بر من بتاب آنچنان مشغول میگشتم بکار عید قربان من تمامش کرده‌ام</p>	<p>نام آنانرا که آوردم شفیع شعر را من خود که بسرودم چنین چون در اینجا ختم گردیده کتاب من بحول قوهٔ پروردگار کارها را آنچنان پرورده‌ام</p>	<p>۱۵۰۰</p>
<p>هر که خواند یا که برگیرد بدست عفو بنما و تو رحمت کن بر آن</p>	<p>این کتاب حضرت سجّاد هست بارالها حرمت صاحب زمان</p>	<p>۱۵۰۵</p>

حمد و سپاس ایزد منان را که توفیق عنایت فرموده و بر دستان و قلم این
بنده ناچیز توان و قدرت مرحمت فرموده تا با استعانت از ذات ربوبیش
این کتاب صحیفه سجادیه را از تاریخ ۸۳/۴/۱ شروع نمودم به نوشتن
«در ۱۵۰۰ بیت به نظم در آورده‌ام» در تاریخ ۸۳/۱۱/۲ روز جمعه
مصادف با عید سعید قربان به اتمام رسید و از خوانندگان عزیز التماس
دعا دارم.

تاریخچه چهارده معصوم (ع)

مقام	لقب	نام	نام مادر	نام پدر	تاریخ تولد	تاریخ شهادت	مکان شهادت	مکان دفن	مقام
امام اول	مصطفی	عبدالله	فاطمه	محمد	۱۲ سال	۱۲ سال	مدینه	بیت المقدس	امام اول
امام دوم	جعفر	محمد	فاطمه	محمد	۱۸ سال	۱۸ سال	مدینه	بیت المقدس	امام دوم
امام سوم	علی	محمد	فاطمه	محمد	۲۱ سال	۲۱ سال	مدینه	بیت المقدس	امام سوم
امام چهارم	محمد	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام چهارم
امام پنجم	کاظم	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام پنجم
امام ششم	رضا	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام ششم
امام هفتم	محمد	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام هفتم
امام هشتم	عبدعزیز	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام هشتم
امام نهم	عبدمطلب	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام نهم
امام دهم	عبدجبار	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام دهم
امام یازدهم	عبدقاسم	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام یازدهم
امام چهاردهم	عبدعظیم	محمد	فاطمه	محمد	۲۵ سال	۲۵ سال	مدینه	بیت المقدس	امام چهاردهم

و از نظر ما اینها قتل
شماره اول و دوم
ظاهر است و در
مکان دفن آنها

بسمه تعالی



توجه ویژه به نخبگان و استفاده از عقل و خرد جمعی
اندیشمندان، یکی از رموز موفقیت در اداره کلانشهرهایی همچون
تهران است.

شهردار تهران
دکتر محمدباقر قالیباف
۱۳۸۵/۴/۲۴

فرهیخته گرامی منطقه ۲
جناب آقای مظفر علی مظفری پور

بدون تردید بهره‌مندی از اندیشه‌ها، آراء و تجارب نخبگان،
فرهیختگان و برگزیدگان شهر تهران، رمز و راز موفقیت در
عرصه‌های گوناگون مدیریت شهری است. بدینوسیله از همت والا
و تلاش‌های موثر جنابعالی در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و
کسب افتخار برای شهرمان سپاسگزارم.

دکتر محمدرضا ناری ابیانه
مدیر کل آموزش و مشارکتهای اجتماعی
زمستان ۱۳۸۸